



آرمان

شماره ۲ - فروردین ۱۳۶۴

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

همه را آشتی کام مردم رواست
که نابود باد آنکه از جنگ خواست
پشیمانی آنکه نداردت سود
که بر خیزد از بوم آباد دود

فردوسی



در این شماره

فراخوان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

- ایران در سالی که گذشت

- اتحاد و مبارزه، یگانه ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است!

- مقاومت دانشجویان گسترش می یابد

- سالی پر رنج برای جوانان

x x x

- مصاحبه "آرمان" با نماینده سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در بریتانیا

- رواج فرهنگ مبتدل و مسئولیت رژیم

- جنبش انقلابی جوانان و جوانان انقلابی

- هفتاد درصد تصیم ما اشتباه بود!

- خواستها و مبارزات کارگران جوان

x x x

- انواع انقلابهای اجتماعی

x x x

- خجسته باد چهل و دومین سالگرد بنیانگذاری سازمان جوانان توده ایران!

- به یاد ماکسیم گورکی

- قیام تبریز

x x x

- نوروز، روز امید و رزم، روز بیداری

- شعر: جنگ و صلح در شعر پارسی - مرگ بر جلادان!

x x x

- کنفرانس "لیبریشن" در بریتانیا - همبستگی با مردم ایران

- جنگ روانی و فعالیت تبلیغاتی امپریالیسم خبری

- "بهشت" سرمایه داری، "دوزخ" جوانان

- یک مقایسه پر معنا در مورد زندگی رحمتکشان

- پیش بسوی دوا و دهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان - اخبار جوانان جهان

x x x

پاسخ به خوانندگان

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

دوره سوم - سال اول - شماره ۳، فروردین ۱۳۶۴

بهاء معادل ۲ مارک آلمان فدرال آدرس پستی:

Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

فراخوان سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به سازمان های جوانان و نیروهای دمکراتیک ایران:

همه با هم در فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو شرکت کنیم!

جوانان و دانشجویان ایرانی!

امسال، در سال جهانی جوانان، دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان، در مسکو برگزار می شود. برگزاری اینگونه فستیوالهای جوانان به دوران پس از پیروزی خلق و ارتش اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری و پایان جنگ جهانی دوم باز می گردد.

فستیوال های جهانی جوانان و دانشجویان همواره کانون اتحاد و همبستگی جوانان و دانشجویان سراسر جهان، تجلی گاه همبستگی در مبارزه علیه امپریالیسم، پیکار در راه حفظ صلح جهانی و استواری شالوده های دوستی و همکاری همه خلقهای جهان است. در این فستیوال ها، نمایندگان جوانان و دانشجویان اکثر کشورها، قطع نظر از تعلقات سیاسی، عقیدتی و سازمانی از بین جوانان آزادیخواه، مذهبی، کمونیست، سوسیال دمکرات و غیره، شرکت می جویند.

جوانان ترقیخواه و صلح دوست جهان در این فستیوال ها گرد هم می آیند:

- تا بانگ صلح خواهانه خلقها را هر چه زودتر سازند و از خواست برحق و عادلانه خلقها مبنی بر گسترش مناسبات برادرانه و همیاری در حل معضلات پیش روی جامعه انسانی بگونه ای پرشور پشتیبانی نمایند.

- تا نشان دهند که نسل جوان خواهان همزیستی مسالمت آمیز خلقها و جهانی آزاد از سروری و سلطه گری امپریالیستی، جنگ، تجاوز گری و دشمنی و کینه توزی خلقها نسبت به یکدیگر است.

- تا در این گردهمایی عظیم جوانان جهان، عزم و اراده پیکارجویانه و خلل ناپذیر خود را برای تامین آینده سعادتسند بشری، آینده ای که میوه شیرین کار و پیکار سخت کوشانه نسل های بشمار انسانی و بویژه جوانان همه کشورهاست، به نمایش گذارند.

جوانان میهن ما نیز به مثابه بخشی از این خانواده جهانی تاکنون نقش شایسته خود را در این پیکار ایفا کرده اند، باید همچنان همدوش با جوانان دیگر کشورها به این رزم مقدس و انسانی ادامه دهند.

سنت شرکت در فستیوال های جهانی جوانان و دانشجویان برای جوانان میهن ما، سنت دیرینه ای است. پیش از پیروزی انقلاب آذربایجان، در دوران تسلط نظام ستمشاهی، علیرغم دشواری های گوناگون، جوانان و دانشجویان دمکرات ایران تقریباً در همه فستیوال ها شرکت داشته اند. جوانان و دانشجویان دمکرات ایرانی با شرکت در

این فستیوال ها، ماهیت حکومت ارتجاعی حاکم بر کشور را در پیشگاه جوانان جهان افشاء نمودند، مضامین و مشکلات مربوط به زندگی هم میهنان خود را بازگو کردند و از این بلندگوی جهانی صدای اعتراض مردم ایران را علیه بیدادگری های رژیم به گوش جهانیان رساندند. در این راه، جوانان و دانشجویان آزادیخواه جهان همواره با ما و رژیم ما، همبستگی پرشوری از خود نشان داده اند.

در سال جاری، دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان، در شرایط بسیار دشواری برای مردم و بویژه جوانان میهن ما برگزار میشود. در حال حاضر، رژیم واپسگرا و خودکامه "ولایت فقیه" بخاطر خیانت به آماجهای شد امپریالیستی و مردمی انقلاب ۲۲ بهمن و پیگیری سیاست اقتصادی - اجتماعی ضد ملی و خائنانه از جمله ادامه جنگ امپریالیسم پرافروخته و سرکوب آزادیها و حقوق دمکراتیک مردم، بحران ژرفی بر جامعه ما حاکم ساخته است. ما، جوانان دمکرات ایرانی که بر ضد بیدادگری های رژیم می رژیم، وظیفه داریم تا صدای رنج و رژیم حق طلبانه جوانان هم میهن خود را به گوش جهانیان برسانیم. به اعتقاد ما، جوانان ترقیخواه و صلح دوست ایرانی می توانند و باید این وظیفه خطیر و درنگ ناپذیر را مشترکاً و با گذاردن دست در دست یکدیگر انجام دهند.

جوانان ترقیخواه و صلحدوست ایرانی!

بباید با شرکت در این فستیوال به جهانیان نشان دهیم که جوانان ایرانی در راه مبارزه شد امپریالیستی، در راه پاسداری از صلح جهانی و از جمله تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ خائنانه ایران و عراق و تأمین صلح برای کشورمان و در راه تحکیم دوستی میان خلقهای جهان و از جمله خلقهای ماکن میهن خود، در صف واحدی می رزمند.

بباید با شرکت مشترک خود در فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان مسکوک میعادگاه جوانان دمکرات جهان است. این فستیوال را به میعادگاه تمام جوانان و دانشجویان دمکرات ایرانی، صرفنظر از وابستگی های سیاسی، عقیدتی و سازمانی نیز تبدیل کنیم.

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران از همه سازمان های جوانان و دانشجویان متمدنی و آزادیخواه ایران می طلبد تا به این فراخوان پاسخ مثبت دهند. اعلام آمادگی برای شرکت مشترک در این فستیوال گامی هر چند کوچک، ولی پر اهمیت، در راه دستیابی به اهداف مشترک ملی - میهنی و بین المللی جوانان ایران بشمار می آید. شایسته است جوانان ایرانی با شرکت در این فستیوال موقعیت خویش را در صحنه ییکار جهانی مستحکم سازند.

دبیر خانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

فروردین ۱۳۶۴

جوانان! برای صلح پایدار بروی زمین مبارزه کنید!

ایران در سالی که گذشت

بر انقلاب و بازسازی و ابعاد اقتصادی و همسویی ج.ا. با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است. زمامداران ج.ا. برای پرده پوشی و استتار خیانت خویش به آرمانهای انقلاب تبدیل کرده اند.

سال ۱۳۶۳ در شرایطی آغاز شد که مردم با نتایج فاجعه بار شکست عملیات "خیبر" و گسترش جنگ به خلیج فارس مشغول بودند و در شرایطی پایان گرفت که عملیات "بدر" با سنگین ترین شکست نیروهای ج.ا. در تاریخ جنگ و کشته و مجروح شدن ده ها هزار تن همراه شد. در آخرین روزها و هفته های سال بسیاران و موشک باران گسترده و بیسابقه شهرهای دو کشور ایران و عراق که جان هزاران غیرنظامی را طعمه خود کرده و ده ها هزار زخمی و آواره بجای گذاشت. نتایج چنایکتکارانه سیاست "جنگ، جنگ تا پیروزی" و "جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم" را برای اقتدار هر چه وسیعتری از مردم ملموس کرد. نفرت و بیزاری مردم از جنگ و از حکومتی که این چنین ابلهانه جنگ مقاومت پیروزمند را به شکستی فاجعه بار در تهاجم توسعه طلبانه تبدیل کرده است، اوج بیسابقه ای یافت.

ناراضایتی عمومی از ادامه جنگ، انفعال و فرار از خدمت نظامیان، و حرکات اعتراضی توده ای نسبت به جنگ اینک در میهن ما آنچنان گسترش یافته است که میتوان با غرور از تکوین جنبش توده ای صلح در ایران سخن گفت. این جنبش هنوز پراکنده و محدود و بطور عمده خودبخودی است و بخش عظیمی از آنرا مقاومت منفی تشکیل می دهد. تفرقه نیروهای انقلابی هنوز مانعی جدی در راه

سالی دیگر پر شمار سالهای سیاه سلطه ارتجاع و سیطره جنگ و اختناق، فقر و بیخانمانی، بیماری و بیسوادی، ورکود و واپس گرایی بر میهن ما افزوده شد. رهندهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی که حیات جامعه ما را تعیین می کنند. و چنین آینده را دزدل امروز می پرورند، در سال ۱۳۶۳ نیز همچنان تکامل یافتمند. حکومتگران ج.ا. در تداوم خیانت به آرمانهای انقلاب و مردم، همچنان راه ادامه جنگ توسعه طلبانه، سرکوب فاشیست منشانه جنبش انقلابی، تثبیت و تازاندن مناسبات سرمایه داری و احمیاء و نروازی وابستگی همد جانبه به امپریالیسم جهانی را دنبال کردند و توده مردم، زیر فشار ناشی از دشواری دم افزون شرایط زندگی، بیش از پیش راه مقاومت و اعتراض را برگزیدند. در این هر دو عرصه عناصر نوینی پدید آمد. از یک سو حکومت ج.ا. در نتیجه کاهش درآمد ناشی از فروش نفت، با ورشکستگی مالی روبرو شد و به این دلیل و نیز بخاطر تشدید منازعات درونی، بحران حاکمیت و سستگیری های ارتجاعی آن تشدید گردید و از سوی دیگر، جنبش اعتراضی و مطالباتی توده ای و بویژه جنبش کارگری شکوفاتر شد و با پیروزی های سیاسی و سازمانی گردانهای پیشاهنگ جنبش انقلابی - حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، دورنمای هر چه نویدبخش تری یافت.

جنگ و صلح

طی سالهای پیشروی و سلطه ارتجاع، ادامه توسعه طلبانه جنگ با عراق، همواره اهم نیرومندی برای سلطه تجار و زمینداران بزرگ

سخنان و قیحاته رجایی خراسانی نماینده جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد درباره موضع حکومت در قبال حقوق بشر با ژنرال گسترده‌ای در سطح جهانی داشت. برای نخستین بار نماینده یک دولت در پایان قرن بیستم به صراحت اعتراف کرد که دولت متبوعش حقوق اولیه انسانی را زیر پا می‌گذارد و خواهد گذاشت و بدینسان بر رسوایی جهانی ج.ا. ق. نقطه ختام گذارد.

با وجود این فشار اعتراض مردم ایران و جهان به وضع دشوار زندانیان سیاسی ایران، بازنمایی‌هایی در هیات حاکمه نیز داشت. جنایاتی از حاکمیت تلاش کرد که با آزادی گروهی از زندانیان سیاسی که با معیارهای دژخیمانه پیداده‌گاههای ج.ا. ق. نیز دوران محکومیت آنان پایان یافته بود با مانور تبلیغاتی از شدت اعتراض عمومی بکاهد. اما حتی این تلاش نیز در اواخر سال با مخالفت شخص آیت الله خمینی مواجه شد.

تشکیل وزارت اطلاعات و سازمان یافتن شبکه های آن در سراسر کشور شرف چند ماه نیاز دم افزون حکومت به سرکوب جنبش رو به رشد انقلابی را منعکس کرد. دولت بودجه کلان وزارتخانه جاسوسی را خارج از محاسبات عمومی پرداخت خواهد کرد. اما اگر ثروتی که شاه پیش پای جلادان و شکنجه گران خویش می ریخت توانست به حفظ نظام پوسیده ستم شاهی یاری رساند، رژیم ستم شیخی نیز از این تداوم بیطرفی بر خواهد بست.

مقاومت بیروزمندانه مردمی در کردستان در سال ۶۴ نیز افتخارهای نوینی آفرید. حزب دمکرات کردستان ایران اعلام کرد که سرکوبگران ج.ا. ق. طی سالهای گذشته ده ها هزار تن از مردم محروم، میهن دوست و آزادیخواه کردستان را که تنها جرمشان دفاع از حقوق طبیعی خویش است آماج وحشیانه ترین سرکوبهای ضد مردمی در تاریخ معاصر ایران قرار داده‌اند. از جمله ۷۵۰۰۰ تن از غیر نظامیان را به شهادت

همانگی تلاشهای آنان برای نضج شتابان این جنبش است. با وجود این طی سال ۱۳۶۴، گسترش افشاکری های سیاسی و فعالیت سازمان یافته حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و سازمان مجاهدین خلق ایران، تأثیر معینی بر تکوین جنبش ضد جنگ پخشیده بی شک امسال کوشش هماهنگ تر این نیروها بیش از پیش به اعتلای آن یاری خواهد رساند.

اختناق و آزادی

در میهن ما امروز استبداد قرون وسطایی شقاوت پیشه‌ای حاکم است که به مدد دستگاههای اطلاعاتی و نهادهای سرکوبگر گوناگون و شبکه سراسری زندانها و شکنجه گاهها، حق فعالیت آزاد سیاسی را از همه نیروهای مدافع آماجهای ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب سلب کرده است. و فاشیت‌مآبانه خیال عیث نابودکردن جنبش انقلابی ایران را در سر می‌پرورد.

سال گذشته نیز سینه بهترین فرزندان خلق، آماج گلوله های پاسداران چهل و سرامیه بود. ده ها هزار زندانی سیاسی در سیاهچالهای رژیم، علیرغم سبانه ترین شکنجه ها پرچم مقاومت را افراشته نگه داشتند. در طول سال آسامی برخی از اعضا و کادربلای حزب توده ایران در زیر شکنجه شهادت رسیده‌اند. رفقا مرتضی باباخانی، علی شناسایی، عادل رام، غلامحسین قناعتی، حسین قدمگاهی، رسول امیری و حمید موسی خفاری و رفقا عظیم محقق و صالح امیر افشار که تیرباران شدند فاش شد. از سازمان فداییان خلق ایران رفیق قربانعلی موذنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان و رفقا پورجم و میثی از کادربلای سازمان زیر شکنجه شهید شدند. اعدام اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، سازمان چریکهای فدایی خلق (اقلیت) و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) نیز همچنان ادامه داشت.

تبدیل کرده است، و تصویب لایحه حدود و فعالیت بخش خصوصی که بر اساس آن هم پایه های حقوقی لازم برای تازاندن رشد سرمایه‌داری فراهم آمده است و هم نظام ارباب رعیتی تثبیت و هم حقوق اولیه کارگران پایمال شده است، گامهای مهمی بود که در راه تامین امنیت سرمایه برداشته شد.

استقلال سیاسی مبین ما نیز در سال ۱۳۶۳ همچنان دستمایه معامله‌گری بازاری صفتانه ج.ا. بود. در طول سال مسووبی سیاسی ج.ا. با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و تلات سران ج.ا. برای جلب پشتیبانی همه جانبه امپریالیسم به هر قیمت ادامه یافت. در اوایل سال رییس مجلس طی مصاحبه‌ای با بنگاه تلویزیونی ای.بی.سی. آمریکا آشکارا خواستار حمایت سیاسی و تسلیحاتی ایالات متحده از ایران شد. چند ماه بعد کنش وزیر امور خارجه آلمان به نمایندگی از سوی کنفرانس سران کشورهای امپریالیستی در لندن به تهران آمد. او خود این سفر را تلاشی برای جلب ایران به دنیای غرب خواند. پس از اعلام رسمی سیاست "درهای باز" از سوی رییس جمهور خامنه‌ای، این سفر کام مومی در راه علنی کردن مناسبات پشت پرده با امپریالیسم جهانی بود.

این مناسبات سنگین هنوز به نتایج مطلوب سران ج.ا. نرسیده است. امپریالیست‌ها که در مغازه و معامله سیاسی با حکومت‌های بریده از خلق از مهارت و تجربه فراوانی برخوردارند، همچنان سیاست تهدید و تحجیب، سیاست چماق و حلوا را در پراپر ج.ا. ادامه می‌دهند. آینده آستان تحولات و پرده‌ری‌های بسیار در این عرصه است.

ستم و عدالت اجتماعی

در حالیکه کاهش درآمد سرانه ملی در سالهای پس از انقلاب بیانگر تشدید فقر مطلق مردم است، باز تقسیم نا مساوی درآمد ملی در سال گذشته نیز ادامه یافت. کلان سرمایه‌داران و

رسانده‌اند. تهاجم گسترده نیروهای مسلح ج.ا. به مناطق آزاد شده کردستان و تخلیه بیش از صد روستای مرزی در تابستان و پاییز گذشته، اقدام نظامی مهمی بود که سران ج.ا. به نتایج آن بسیار دل بسته بودند. اما نه این تهاجم و نه هجوم نیروهای نظامی ترکیه که تا ۱۳ کیلومتر در خاک کردستان ایران و ۱۴ کیلومتر در خاک کردستان عراق پیشروی کردند، نیز نتوانست مقاومت قهرمانانه مردم کردستان را درهم بشکند. تهاجم ارتش ناتوی ترکیه، با موافقت کامل ج.ا. و هماهنگی کاملی که طی سفر ولایتی وزیر خارجه به آنکارا برنامه ریزی شده بود صورت گرفت.

وابستگی و استقلال

فعالیت اقتصادی در کشور ما سال گذشته نیز بطور عمده در راستای بازسازی نظام سرمایه‌داری وابسته و نوسازی وابستگی به امپریالیسم جهانی قرار داشت.

در بخش دولتی مهم ترین طرحهای در دست اجرا و گسترش همچنان پتروشیمی ایران و ژاپن، فولادسازی ایران - ایتالیا، خودروسازی ایران و انگلیس و نیروگاههای اتمی ایران و آلمان فدرال بودند. در بخش خصوصی بیشتر از ۷۰٪ سرمایه‌گذاری‌ها (موافقت‌های اصولی) صرف ایجاد صنایع مصرفی وابسته شد. سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای نیز بطور عمده به اتکاء وابستگی فنی - تکنولوژیک به بازار جهانی امپریالیستی انجام می‌گیرد.

در سال ۱۳۶۳ ۷۰٪ واردات ۱۶ میلیارد دلاری ایران (صرف نظر از ۸ میلیارد دلار سلاح) از کشورهای امپریالیستی، ۲۰ درصد از کشورهای وابسته به امپریالیسم (ترکیه - پاکستان - کره جنوبی - برزیل) و تنها ۱۰٪ از کشورهای سوسیالیستی و موقمی تامین می‌شد. در سال ۱۳۶۳ دگرگونی عمده در این عرصه افزایش واردات از ترکیه تا میزان ۳ برابر بود.

تصویب لایحه مسخ شده بازرگانی خارجی که دولت را بطور رسمی به خدمتگزار تجار بزرگ

بزرگ مالکان، سال گذشته نیز کشور ما را به میدان فارتگری افسار گسیخته خویش تبدیل کردند. در این میان بازاریان بزرگ که سال گذشته با پشتیبانی آیت الله خمینی و شورای نگهبان توانستند مانع از ملی کردن تجارت خارجی بشوند، با بهره گیری از موقعیت انحصاری خود در واردات کالا به اتکای ارز ارزان دولتی و با احتکار و گرانفروشی کالاهای وارداتی و داخلی، بیشترین سهم در چپاول مردم را از آن خود کردند. میزان نقدینگی بخش خصوصی به رقم سرسام آور ۹۰۰ میلیارد تومان رسید که در تاریخ معاصر ایران بیسابقه است.

این رقم در سال ۵۶، ۳۲ میلیارد تومان بود و طی ۷ سال تا حد نزدیک به ۳۹ برابر افزایش یافته است. صاحبان این پول نقد تنها ۲٪ کل جمعیت ایران را تشکیل می دهند و بخش اصلی آن متعلق به معدودی کلان سرمایه دار و بویژه تجار بزرگ است. در واقع طی غارت و اهوانانه سالهای اخیر ده ها میلیارد در و میلیونر نوکیسه در بازار ایران پدید آمده اند آه یکی از پایه های الیگارشی نوین ایران را تشکیل می دهند.

در همان حال دستمزد پنج میلیون کارگر و نزدیک به یک میلیون کارمند ایرانی طی سال گذشته نیز ثابت ماند. بیش از ۲ میلیون نفر از جمعیت فعال ایران همچنان بیکار بودند. روند بازگرداندن زمینهای زیر کشت دهقانان به مالکین بزرگ به زور سر نیزه و اندام ها و پاسداران و علیرغم مقاومت دهقانان پیش رفت. پهای محصولات اساسی کشاورزی، دسترنج اصلی ۲/۵ میلیون خانوار دهقان، سال گذشته نیز ثابت ماند. به این ترتیب بار تورم سرسام آور که تنها به علت ورشکستگی مالی دولت اندک کاهشی یافت، سال گذشته نیز همچنان بردوش زحمتکشان بود. مزدبگیران - کارگران و کارمندان - بازم به برابر سرمایه داران و صاحبان مشاغل آزاد به ج.ا. مالیات پرداختند. و سیاست مالی دولت که می تواند اهرم نیرومندی در بازار تقسیم عادلانه درآمد ملی

تشدید بحران و اوجگیری جنبش انقلابی

وخامت بحران اقتصادی، غلیان ناراضیاتی توده ها، تشدید بحران و انزوای حاکمیت، تشدید مستگیری های ارتجاعی حکومت که در پیام آیت الله خمینی به مناسبت سالگرد ۲۷ بهمن چشمگیر بود، و نقض سبعانه تر آزادیهای دموکراتیک، مظاهر مختلف تشدید بحران ژرف و گسترده ای است که سراسر میهن ما

از همه انعکاس داخلی و جهانی خبر این اعتصاب که با پشتیبانی فعال کارگران بسیاری از واحدهای بزرگ دولتی همراه شده بود که آیت الله خمینی را واداشت که در پیام سالگرد انقلاب به دروغ منکر وجود اعتصاب در کارخانه های ایران بشود.

مقاومت دهقانان در برابر یازگرداندن زمین به زمینداران بزرگ سال گذشته نیز در مقیاس وسیع ادامه داشت و در مواردی حتی به درگیری مسلحانه انجامید. مقاومت منفی و فعال زنان، کارمندان و دانشجویان و روشنفکران در برابر سیاست ابر ارتجاعی حکومت، گسترش حرکات اعتراضی نسبت به ادامه جنگ و حرکات اعتراضی خوچوش تهیدستان و حاشیه نشینان شهرها، مبارزه اقلیت های ملی و مذهبی و دستاوردهای ارزشمند جنبش انقلابی خلق کرد، دیگر نشانه های نوید بخش فردای شکوهمند جنبش توده ای بودند.

نیروهای انقلابی طی سال ۱۳۶۳، علیرغم فشار و سرکوب فاشیت منشانه رژیم دستاوردهای ارزشمندی داشتند. در این میان پیروزی های سیاسی و سازمانی گردانهای پیشاهنگ طبقه کارگر از وزن و اهمیت ویژه ای برخوردار بود، انتشار نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران در ۱۷ خرداد ماه و سازمان یافتن پرشتاب هسته های حزبی در ایران، آرزوی خام سردمداران ارتجاع برای نابودی حزب توده ایران را نقش بر آب کرد، تشکیل پلنوم کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) با شرکت اکثریت قاطع رهبری و موفقیت های تشکیلاتی سازمان نیز سهم موثری در ایفای نقش تاریخی پیشاهنگ پرولتری جنبش انقلابی داشت.

متاسفانه علیرغم تلاشهای پیگیر حزب و سازمان برای پایان دادن به تفرقه موجود در میان نیروهای انقلابی، دستاوردهای جنبش در عرصه انجام سیاسی و سازمانی صرف خویش چندان چشمگیر نبود و ارتجاع حاکم از این رهگذر استفاده بسیار برد، با وجود این وحدت عملی که

را در بر گرفته است.

انتخابات سال گذشته که در شرایط اختناق کامل صورت گرفت، به گویاترین شکل ژرفای انزوای حکومت را به نمایش گذارد، علیرغم فشار و اجبار سازمان یافته حکومت برای شزکت مردم در انتخابات، بیش از نیمی از مردم از شرکت در انتخابات خودداری کردند و بیش از ۶۰٪ کسانی که ناگزیر از شرکت بودند به اشکال مختلف به نامزدهای حاکمیت رای منفی دادند. سرشناس ترین سخنگویان ارتجاع، توکلی ها و عسکر اولادی ها، خاموشی ماورپور استادها تودهنی سختی از شرکت کنندگان در انتخابات دریافت کردند. جناح مسلط حزب ج.ا. به رهبری چپمنه ای - ناطق نوری و سران بازار، علیرغم تقلب گسترده و پشتیبانی مستقیم آیت الله خمینی و شورای نگهبان که انتخابات بسیاری از شهرها را پسود آنان ابطال کرده، در این شکست سهیم شدند. سیاست هوشمندانه حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دعوت مردم به رای منفی به نمایندگان حاکمیت که با روند تجربه آموزی توده ها هماهنگ بوده نقش ویژه ای در تحمیل این شکست به حکومت داشت.

بحران و بی ثباتی دولت که بدنبال شکست انتخاباتی و آشکار شدن انزوای رژیم تشدید شد و به تغییر ۵ وزیر انجامید و اوجگیری مناظرات دورنی حاکمیت بر سرماله چانشینی خمینی نشانه های دیگری از شدت بحران حاکمیت بود.

به موازات وخامت اوضاع در صف ارتجاع، در اردوی انقلاب بهبود امید بخشی به چشم می خورد. جنبش توده ای آشکارا رو به اوج گذارد، جنبش کارگری پیشرفته ترین بخش جنبش توده ای بود. طی سال ۶۳، بیش از ۱۵۰ اعتصاب کارگری در ایران ثبت شد. اعتصاب کارگران دخانیات و شرکت سامان که به درگیری قهرمانانه با سرکوبگران ج.ا. انجامید از پر اهمیت ترین این اعتصابات بودند. در آذرماه اعتصاب بیست هزار کارگر ذوب آهن اصفهان به پیروزی رسید. بیش

سراسری خویش به سوی این آماجها در هر گام تجربه تاریختاری آموزشی آموخته اند.

در سالهای اخیر، پیروژه پس از آشکار شدن خیانت مرتجعین حاکم، مردم، نمایندگان سیاسی سرمایه داران و ملاکین را در جامه عوامفریبی و سالوس مغربی نیز باز شناخته اند و بازمی شناسند. و در همان حال میزان اصولیت و پایمردی گردانهای مختلف نیروهای انقلابی را در وفاداری و پایبندی به آرمانهای انقلاب و خلق، با کورشت و استخوان خود لمس می کنند.

این تجربه اجتماعی و تاریخی عظیم، مایه اصلی آگاهی طبقاتی و ملی ژرفی شده است که هنگامی که به شکل انقلابی مردم در جبهه متحد خلق فراروید، سرانجام بن بست انقلاب ملی و دمکراتیک ایران را درهم خواهد شکست، و بسوی پیروزی نهایی راه خواهد گشود.

به کندی اما پیوسته میان گردانهای مختلف جنبش نضج می یابد، نطفه تشکیل جبهه متحد خلق را در بردارد. امید آنکه امسال مجموعه جنبش انقلابی ایران به مسئولیت تاریخی عظیم خویش در برابر مردم رنج کشیده ایران پی ببرد و با شتابی هر چه بیشتر به اتخاذ تدابیر سیاسی و سازمانی برای ایجاد اتحاد سراسری و گسترده جنبش انقلابی روی آورد.

در تاریخ خلق ما، ماه ها و سالهای انقلاب به سنگینی و پرباری سالها و دهساله ها می گذرند. توده ها در دوران انقلاب، هر روز و هر هفته به اندازه ماهها و سالها تجربه می آموزند، توده های میلیونی مردم محروم و ستم کشیده ما نیز که شش سال پیش، با جانبازی ها و ایثارگری های حماسی خویش نظام ستم شاهی را سرنگون و نخستین گام پیروزمند در راه دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را برداشتنده، در راهیمایی



نابود باد بساط خفقان و شکنجه خلق!

اتحاد و مبارزه، یگانه‌ضامن ناگزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است!

دور جدید جنایت

جنگ امپریالیسم بر افروخته ایران و عراق وارد مرحله جنایتبار جدیدی شده است. در دو ماه اخیر مناطق مسکونی، تأسیسات صنعتی و مردم بیگناه هردو کشور، آماج بمبها، موشک و گلوله‌های مرکبازی شده اند که روز و شب بر سرشان فرو می‌ریزد. در دور جدید جنایت، سران مرتجع رژیم "ولایت فقیه"، تنها طی عملیات "بدر" ده‌هزار جوان بیرومند میهن را در بااتلاق‌های شرق رود دجله - در خاک عراق - زنده بگر کردند. هزاران تن از مردم غیر نظامی و بی دفاع هردو کشور، در زیر آوار ناشی از بمباران‌ها مدفون شدند.

مردم شهرهای تبریز، شیراز، باختران، همدان، بیرانشهر، پروچرد، اصفهان، نهاوند، اهواز، آبادان، دهلران، سقز، بانه، مریوان، صالح آباد، سوسنگرد، ایلام، مسجد سلیمان، زنجان، ارومیه، بوشهر، اراک، تهران و ... در غزای قربانیان بمباران‌ها سپاهپوش اند.

در خاک عراق، ساکنین بیگناه شهرهای بصره، سلیمانیه، حلبچه، رواندوز، خانقین، مرگه‌سور، مندلی، شانه‌دری، کرکوک، بغداد... متقابلاً آماج موشک‌ها و بمب‌ها شدند. رقم کشته شدگان "عملیات بدر" از هر دو سو، از مرز چهل هزار گذشته است. بنا بر آمار رسمی در جریان بمباران‌ها بیش از ۱۰۰۰ نفر، تنها از مردم ۲ شهر پیرانشهر، خرم‌آباد و دزفول کشته شده‌اند. تعداد کثیری از زحمتکشان در کارخانه لوله‌سازی اهواز، در تأسیسات نفتی جزیره خارک، در محلات زحمتکش نشین نازی آباد، دولت آباد، افسریه و تهران نو، به خاک و خون غلطیده‌اند.

زندگی عادی در هردو کشور فلج شده است. امور پست، مخابرات و حمل و نقل زمینی و هوایی مختل گردیده است. سیل جمعیت در هردو کشور، بسوی نقاط دور دست روان است. بیش از یک میلیون تن از هموطنان ما - پریزه‌زنان و کودکان - به شهرهای مشهد و کرمان پناه برده‌اند. رعب و وحشتی فراگیر بر کشور حاکم شده است. همه تلاش‌ها و دعوت‌های سازمان‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ بالا پاسخ منفی سران مرتجع ج.ا. روپرو گردیده است. سران خیانتکار رژیم هنوز دست از ادامه سیاست جنگ طلبانه خود برنداشته‌اند.

صلح، خواست توده‌هاست

توده‌های مردم که بیش از ۴ سال و نیم از مصائب دهشتناک جنگ آسیب دیده‌اند، خواهان قطع سریع بمباران‌های هوایی، آتش بس در جبهه‌ها و شروع مذاکرات برای

پایان دادن به جنگ بی حاصل و خانمانسوز هستند. جنگ حز دلهره مرگ بیهوده هزاران جوان، جز داغ مرگ هزاران عزیز، جز ورشکست اقتصاد کشور و تشدید وابستگی صنعتی به جهان سرمایه داری و جز تورم و گرانی سرسام آور و بیکاری و فقر، ارمغانی برای مردم مبین ما نداشته است. ادامه جنگ زمینه مساعدی برای چرخش حکام ج.ا. به راست و تشدید رژیم ترور و اختناق در کشور فراهم کرد. به بهانه شرایط جنگی هر خواست حق طلبانه توده ها سرکوب می شود و مبارزین راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به بند کشیده می شوند.

اعتراض توده ها علیه سیاست ضد ملی و ضد خلقی رژیم که همچنان بر شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی" اصرار می ورزد، گسترش چشمگیری یافته است. رژیم جمهوری اسلامی با آگاهی پر وسعت اعتراضات مردم، آمار واقعی تلفات و آسیب های ناشی از مرحله اخیر جنگ را پنهان می دارد و قادر نیست با تحریک احساسات توده ها، جو جنگ طلبی و کشتار مردم بیگناه دو کشور را برافروخته کند.

مردم به هر طریق ممکن نه فقط مخالفت خود را با ادامه جنگ ابراز می دارند، بلکه عملاً مانع گرم کردن تنور جنگ به حساب زندگی خود و فرزندان شان می شوند. در برابر تهاجم سپاه و بسیج به مدارس برای اعزام دانش آموزان به جبهه ها و بسیاری از دانش آموزان دوره راهنمایی و متوسطه از مدرسه می گریزند. دولت نیز برای اعمال فشار، سهمیه دفتر چه بسیج اقتصادی خانواده آنان را قطع می کند. غیبت و کم کاری کارکنان در تمام عرصه های تولید و خدمات افزایش چشمگیر یافته است. کارگران در برابر کسر حقوق بخاطر "کمک به جبهه ها" دست به اعتراض و اعتصاب می زنند. حتی اعتصابهایی برای بازگرداندن کارگران اعزامی به جبهه ها توسط بسیج، در کارخانه های کشور بوقوع پیوسته است.

در مراسم تشییع جنازه و یادبود کشته شدگان جنگ، درگیری و برخورد توده های مردم با عوامل رژیم که شعارهای جنگ طلبانه سرمی دهند رو به فزونی است. روحیه ضد جنگ بر پخش های وسیعی از ارتشیان و نیروهای بسیج نیز حاکم شده است. تردید از اجرای فرامین نظامی و فرار از جبهه ها شدت یافته است. توده ها صلح می خواهند و برای برقراری صلح مبارزه می کنند.

نیروهای انقلابی، پیوسته جوانان توده ای، فدایی و مجاهد ضمن افشاء جنایات رژیم و سازماندهی مبارزات مردم، بردیوارها شعارهای مخالفت با جنگ و خواست صلح را می نویسند و تراکت ها و اعلامیه های احزاب و سازمانهای انقلابی را تکثیر و پخش می کنند.

اتحاد و مبارزه و بیکارگیری همه شیوه های مخالفت با جنگ از جمله گسترش کم کاری، تظاهرات و اعتصابات، یگانه ضامن ناکزیر ساختن هیئت حاکمه به ختم جنگ و پذیرش صلح است.

برای پایان دادن به جنگ خانمانسوز،

مبارزات خود را تشدید کنیم!

مقاومت دانشگاهیان گسترش می یابد



اخبار رسیده از دانشگاهها و مدارس عالی کشور حاکی از گسترش هرچه بیشتر اعتراضات دانشجویان و کارکنان این واحدهاست. این اعتراضات بیش از پیش شکل فعالتری به خود می گیرد. دانشجویان دانشگاهها که از نابسامانی وضعیت آموزشی، مسکن، غذا، کتابخانه و رفتار تحقیر آمیز و سرکوب گرایانه مقامات و افراد وابسته به رژیم به ستوه آمده اند، به اشکال مختلف واکنش نشان می دهند. ارسال نامه های فردی و گروهی برای مقامات دانشگاه و روزنامه ها، تشکیل گردهم آیی های مختلف و دعوت از مسئولین مربوطه جهت پاسخ به مشکلات، تجمع حول خواستهای صنفی مشترک (از جمله به خاطر وضعیت مسکن در خوابگاهها) و دادن شعار بصورت گروهی، برخی از این اشکال مقاومت اند.

رژیم جمهوری اسلامی با "انقلاب فرهنگی"، تعطیل دو سال نیمه دانشگاهها، اخراج و تعلق بسیاری از دانشجویان و کارکنان مرفقی و تحمیل نهادهایی چون "ستاد انقلاب فرهنگی"، "جهاد دانشگاهی" و "انجمن های اسلامی" خود را در این عرصه ایمن می پنداشت. ولی واقعیات موجود سرسخت اند و خود را به صاحب منصفان نیز تحمیل می کنند. به علاوه اوچگیری مقاومت در دانشگاهها به اختلافات میان جناحهای مختلف رژیم دامن زده است. خمینی در پیام سالگرد انقلاب مجددا توجه را به جانب دانشگاهها معطوف نمود. این مطلب بهانه ای شد تا دفتر تحکیم وحدت (انجمن اسلامی دانشگاهها و مدارس عالی) اعلام گردهمایی کند. در این

گردهمایی شایده منتظری و چند تن از وکلای مجلس شرکت داشتند و جنتی نیز سخنرانی کرد. در پایان این گردهمایی قطعنامه ای صادر شد که حاوی نکات چالشی بود. دفتر تحکیم وحدت ناچار شد آنچه را که اکنون در محیطهای آموزش عالی کشور اظهارنظر السس است بطور ضمنی قبول و بیان کند. از جمله:

- عدم تلیل دانشجویان و کارکنان دانشگاهها به جنگ.

- عدم تسایل دانشگاهیان به حاکمیت

متعاقب این گردهمایی جامعه اسلامی دانشگاهیان (بخشی از کارکنان دانشگاهها) نیز با هاشمی رفسنجانی و موسوی اردبیلی

کسانیکه تا چندی پیش در سفدفاع از این نظام قرارداداشتند، در صفوف مخالفین شنیده می شود. به عنوان مثال می توان از دانشجویان تربیت معلم نام برد که به علت حساسیت رژیم به امر تعلیم و تربیت، اکثریت آنان را اعضای نهادهای "انقلابی" تشکیل می دهند. بسیاری از این دانشجویان اکنون سیاست رژیم را در زمینه آموزش عالی محکوم می کنند. آنها نیز از همان مشکلات عمومی دانشجویان کشور رنج می برند. بحران عمومی حاکم بر کشور مسلماً دانشگاهها را آرام نخواهد گذاشت. اوجگیری مبارزات اعتصابی کارکنان واحدهای بزرگ صنعتی درسال گذشته بخصوص در این زمینه نقش مهمی ایفا کرده است.

مبارزات پیروزمند کارکنان واحدهای بزرگ صنعتی نشان داد که نظام مبتنی بر شکنجه و تیرباران نمی تواند برای مدت طولانی پایدار بماند. باید مطمئن بود که در این جوش و خروشی که خلق آغاز کرده است، دانشگاهیان نیز نقش شایسته خود را ایفا خواهند کرد.

دیدارهایی داشتند. آنچه بخصوص در این دیدارها جلب توجه می کرد، تاکید مسئولین درجه اول رژیم بر ضرورت حضور فعالان انجمن های اسلامی در دانشگاهها جهت مبارزه با گروههای چپ بود. آقایان به مسئولین دانشگاهها هشدار دادند که تضعیف یا حذف این انجمن ها موجب تقویت و فعال شدن گروههای چپ خواهد شد. در واقع سران جمهوری اسلامی بار دیگر صراحتاً اعلام داشتند که مهمترین وظیفه انجمن های اسلامی در دانشگاهها مبارزه با دانشجویان انقلابی است.

ولی در واقع این اظهارات تنها کنک می کند تا انجمن های اسلامی دانشجویان بیش از پیش نزد عوام دانشجویان افشا شوند. در جریان گسترش مقاومت در دانشگاهها این انجمن ها مرتب به جاسوسی، تهدید، ارباب، تفرقه و به انحراف کشیدن خواستهای دانشجویان دست می زنند. این انجمن ها روزبه روز از میان دانشجویان بیشتر پردمی شوند.

ولی از سوی دیگر با تعمیق بحران عمومی نظام حاکم بر کشور، صدای اعتراض بسیاری از

خوانندگان عزیز، جوانان و دانشجویان ایرانی! خیرهای مربوط به مبارزات و مشکلات جوانان و دانشجویان هموطن را برای ما بفرستید. ارسال اختیار، مقالات، شعر، داستان، طرح، عکس، کاریکاتوره، ترجمه و هر مطلب دیگر درباره جوانان و دانشجویان، کمک ارزنده ای در جهت بهبود کارماست. پیشنهادات، انتقادات و پرسش های خود را نیز برای ما بفرستید. در مکاتبه با "آرمان" نام مستعار برای خود انتخاب کنید. ما در "آرمان" به اسامی مستعار پاسخ می دهیم.

سالی پررنج برای جوانان



با آغاز سال جدید، یکسال دیگر از عمر حکومت چهار و ویرانگر "ولایت فقیه" گذشت. سال ۶۳، سال تحکیم موقعیت سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، تشدید وابستگی اقتصادی رژیم به امپریالیسم و تعین خیانته و هجران ج.ا. به مردم ایران بود. در این سال با تکمیل و استقرار وزارت اطلاعات و امنیت و تقویت سایر ارگانهای جاسوسی، غلظت جو خفقان و دیکتاتوری افزایش یافت. جنگ پیچیده ابعاد گسترده‌ای بخود گرفت و بار ثروتمند و گرانای و بیکاری بیش از گذشته پشت زحمتکشان میهن ما را خم نمود. طبیعتاً زندگی جوانان ایران نیز از تاثیر این رویدادهای منفی و مخرب بر کنار ماندن به اتفاق نظری به جنبه‌های مختلف حیات جوانان میهنان در سالی که گذشت بیفکنیم.

آموزش و پرورش

نماینده رژیم در یونسکو سخن از "سیستم فرمنگ‌پرور اسلامی" می‌گوید، اما واقعیات و آمار رسی، چهره شد فرمنگ و جهل پرور رژیم اسلامی رابه نمایش می‌گذارند. تعداد دانش آموزان دوره ابتدایی در سال تحصیلی ۶۲ - ۶۱ نسبت به سال قبل از آن تنها ۲۰۳۳۶۷ نفر افزایش یافت. در حالیکه هر سال بیشتر از ۸۰۰۰۰۰ نفر از کودکان ماهه سن تحصیل می‌رسند. به این ترتیب در سال ۶۲ بیش از ۸۰۰۰۰۰ نفر از کودکان ۷ - ۶ ساله پشت درهای مدرسه باقی ماندند. در همین

سال از تعداد دانش آموزان دوره راهنمایی ۲۵۰۷۳ نفر و دوره دبیرستان ۸۱۹۸۳ نفر کاسته شد. روند نگران کننده گسترش بیسوادی و افزایش تعداد دانش آموزانی که بعلت کمبود امکانات و فقر خانواده ناچار به ترک تحصیل می‌شوند. در سال ۶۳ ادامه یافت. اکرمی وزیر آموزش و پرورش رژیم در گزارش فعالیت های انجام شده در مجلس اسلامی گفت: "پدائید که ما فقط در سال آینده برای ساختن بودجه داریم" (اطلاعات ۲، بهمن ۶۳). او در همین گزارش اعتراف کرد که برای ۷۰۰۰۰۰ دانش آموز جدید که مطابق قانون اساسی، دولت موظف به تامین آموزش رایگان آنهاست. ۲۵ هزار کلاس و چهار هزار واحد آموزشی مورد نیاز است. به تأیید همین مقام، وزارت آموزش و پرورش با کمبود ۷۰ هزار معلم و ۱۵ هزار دبیر مواجه است (همانجا).

بودجه آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۶۲-۶۳ تنها دو میلیارد و هفتصد هزار تومان افزایش یافت. اما در عمل بیش عمده همین بودجه ناچیز، صرف اولویت های جنگ طلبانه رژیم می‌گردد و بقول وزیر آموزش و پرورش رژیم اسلامی "... از اعتبار مصوبه ای که در این چند سال در مجلس

چوانان است، مردود شدند. عده‌ای از دانشجویان که از مراحل گوناگون تفتیش عقاید و بازجویی گذشته‌اند نیز موفق به حضور در کلاسهای درس نشدند. دانشجویی دانشگاه تهران چنین می‌نویسد: "... در کنکور سال جاری در رشته عملیات پلایش قبول شدم ولی تا بحال که ترم اول تمام شده و ترم دوم آغاز شده است، دانشگاه از ثبت نام من و امثال من امتناع ورزیده و علت را عدم امکانات در دانشگاه نسبت می‌دهند" (اطلاعات ۴ بهمن ۶۳).

رژیم در سال گذشته در مقابله با جنبش رشد یابنده دانشجویی، بر اقدامات پلیسی، امنیتی و جاسوسی شدت بخشید. مقامات بالای حکومت دیکتاتوری در سخنرانی‌ها خواستار افزایش فعالیت جاسوسان و تقویت سیستم تفتیش عقاید در دانشگاهها شدند؛ رفسنجانی خطاب به اعضای انجمن‌های اسلامی دانشگاهها که وظیفه خبرچینی و جاسوسی را بعهده دارند گفتند: "... مواظب باشید مبدا افرادی بصورت دانشجویان انقلابی مسلمان سعی کنند چهره نشان داده و بخواهند محیط تحصیل را تضعیف کنند" (جمهوری اسلامی ۱۲ اردیبهشت ۶۳).

خامنه‌ای نیز همان روز به اعضای انجمن اسلامی دانشگاه ماموریت داد: "آنچه که میتواند جلوی این توطئه (فعالیت سیاسی دانشجویان) را بگیرد، حرکت صحیح دانشجویی و عناصر انجمن اسلامی است" (همانجا).

در تعقیب سیاست ایجاد محیط پلیسی خفقان بار در دانشگاهها، سرانجام "ستاد انقلاب فرهنگی" آیین نامه انضباطی دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی" را منتشر کرد.

در این آیین نامه تشکیل هر نوع انجمن یا گروه دانشجویی برای فعالیت‌های فوق برنامه، بدون اجازه مراجع ذیربط، برگزاری اجتماعات در دانشگاهها و عضویت یا فعالیت به نفع هر حزب یا گروه، شعار نویسی، پخش اعلامیه، عدم رعایت حجاب اسلامی و غیره تخلف محسوب می‌گردد و منجر به اخراج و یا محرومیت دائم از

بوده است، آنچه که در بودجه پیش بینی شده متأسفانه تخصیص داده نمی‌شود (اطلاعات ۲ بهمن ۶۳).

در سال ۶۳ مالکیت سرمایه‌داران و صاحبان مستقلات بطور قطع تکبیت شد. معلوم شد بر خلاف آنچه قبلاً ادعا می‌کردند، مالکیت در شرع مقدس نامحدود است. مالکان ساختمانهای استیجاری مدارس با تأیید شورای نگهبان تنها در ۴ ماه اول سال ۶۳، با در دست داشتن حکم تخلیه ۲۵ مدرسه در تهران و بطور میانگین ۱۶-۱۵ مدرسه در هر استان، دانش آموزان را بیرون ریختند.

در سالی که گذشت یکی دیگر از دستاوردهای مبارزات انقلابی مردم ایران، یعنی انحلال مدارس خصوصی و ملی شدن آموزش و پرورش یا بسال ارتجاع حاکم شد.

زمزمه احیای مدارس خصوصی از زمان نخست وزیری بازرگان آغاز شد اما در چو انقلابی آن دوران مجال تحقق نیافت. با گردش به راست و سلطه کامل ارتجاع، زمینه برای اجرای این توطئه فراهم گردید. اقدامات پراکنده مدارس در اخذ و جود گوناگون از اولیای دانش آموزان، صورت قانونی بخود گرفت. تبصره ۷ بودجه سال ۶۳ به وزارت آموزش و پرورش اجازه داد بدینطور تأمین کلیه هزینه‌های مربوط به آموزشهای قبل از دبستان و بزرگسالان و قسمتی از هزینه‌های مربوط به آموزشهای ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه عمومی، به دریافت شهریه از دانش آموزان اقدام کند.

آموزش عالی

در سال ۶۳ حدود ۲۵۰ هزار نفر داوطلب در کنکور سراسری دانشگاهها شرکت کردند. از این تعداد کمتر از ۲۵ هزار نفر در امتحانات پذیرفته شدند و ۹۰ درصد بقیه به خیل بیکاران پیوستند. قبولی در امتحان کنکور تنها عبور از خان اول است. بسیاری از قبول شدگان، در مرحله تحقیقات، که به شکل و قیحانه‌ای از تفتیش عقاید و مداخله در زندگی خصوصی

تحصیل می‌گردد.

در سال ۶۳ کیفیت تدریس در دانشگاهها، همچنان بعلت اخراج استادان مرفقی و دیگر اندیش و کمی تجهیزات لازم به سیر نزولی خود ادامه داد. در ادامه طرح (وحدت حوزه و دانشگاه" بسیاری از واحدهای علمی و فنی توسط دروس "اسلام شناسی" و "ایدئولوژی اسلامی" جایگزین گردیدند.

مسئله خوابگاههای دانشجویی همچنان بصورت گره کور باقی ماند. بسیاری از دانشجویان شهرستانی، بویژه دختران دانشجوی، بدلیل عدم استطاعت مالی و نداشتن سرپناه از ادامه تحصیل منصرف شدند. صادمی دادستان کل کشور، دست التماسی بهی سرمایه‌داران بخش خصوصی دراز کرد و گفت: "اکنون فرزندان دانشجوی شما در تهران با مشکلات زیاد و در مسافرخانه‌ها زندگی می‌کنند و دختران دانشجوی در سردابه‌ها پسر می‌برند. بچاست آنها که وضع مالی خوبی دارند به این مسائل عنایت کنند!" (کیهان ۱۵ دی ماه ۶۳). البته از آنجا که ثروت اندوزان بیشتر به تجارت و واسطه‌گری و سودهای کلان و بی‌درسر "عنایت" دارند، به التماس ایشان وقتی نپرداند!

اشتغال

در ج.ا. نوجوانان زیر سن قانونی کار می‌کنند و بسیاری از آنان که به سن کار می‌رسند دچار بی‌کاریند.

آمار رسمی ج.ا. تعداد کارکنان در واحدهای خانوادگی بدون مزد را در سال ۶۰، ۱۰۲۱۱۲ نفر اعلام می‌کند. اکثر این کارگران را کودکان زیر سن قانونی کار تشکیل می‌دهند. پیش نویس دوم قانون کار اگرچه با مقاومت و مبارزه کارگران به سرنوشت پیش نویس سلف خود دچار شد اما به روشنی تفکر غیر انسانی مقامات ج.ا. در ارتباط با کار کودکان را آشکار ساخت. در این پیش نویس عملاً سن قانونی کار به ۱۲ سال تقلیل یافته است. مسئله بیکاری که از رژیم وابسته

شاه به رژیم ج.ا. به ارث رسیده است طی چند سال گذشته بدلیل تداوم نظام اقتصادی رژیم شاه و ادامه سیاست جنگ توسعه طلبانه سردمداران ج.ا. گسترش بیشتری یافته است. کیهان ۱۵ مرداد ۶۳ آمار بیکاران شهری را یک میلیون و ۳۶۰ هزار نفر اعلام کرده است. اما آمار واقعی بیکاران به مراتب بیش از اینهاست. سیاست ادامه جنگ، قطع برنا ای عمرانی، تعطیل مراکز صنعتی و کاهش فعالیت آنها، سیاست درهای یاز، تخریب کشاورزی و مهاجرت روستاییان به شهر از علل اساسی رشد بیکاری است.

امکانات محدود اشتغال تنها در اختیار وابستگان رژیم تحت عنوان اعضای نهادهما (جهاد، سوادآموزی، سیج و...) خانواده شهدا و معلولین قرار می‌گیرد. رژیم ضدحلقی می‌کوشد با بهره‌گیری از بحران بیکاری جوانان را به خدمت در نهادهای سرکوبگر، سپاه و نیروهای نظامی و انتظامی سوق دهد.

جنگ

همزمان با آغاز سال ۶۳ جنگ در خلیج فارس گسترش یافت و آمریکا رسماً حضور خود را در همسایگی کشور ما تکبیت نمود و به هواپیماهای ایرانی اخطار کرد که حق پرواز تا فاصله معینی از ناوگان آمریکایی را ندارند.

نوروز ۶۳ نیز چون نوروز امسال مردم داغدار ایران در ماتم جوانانی که در کوره جنگ بی سرانجام سوختند نشسته بودند. روز هفتم فروردین ۶۳ شهرهای اندیشک و پل دختر و خرم آباد توسط هواپیماهای عراقی بمباران شدند و ۴۷ کشته و ۸۴ نفر زخمی بجای گذاشت. بمباران مناطق غیرنظامی در روزها و ماهای بعد ادامه یافت. یاقشاری رهبران خائن ج.ا. به ادامه جنگ توسعه طلبانه و مداخله جویانه ایران و عراق در طول سال گذشته هزاران جوان ایرانی را به کیام مرگ فرستاد و عده بیشتری را معلول و مجروح کرد. حکام ج.ا. برای تأمین نیروی انسانی به

کوشش مسئولان ورزشی در "مکتبی" کردن فضای ورزش جوانان را از محدود ورزشگاههای موجود گریزان ساخت. در تیمهای ورزشی، ورزشکاران باسابقه و صاحب صلاحیت جای خود را به افرادی دادند که مکتبشان قوی تر از ورزششان بود! این سیاست ضد ورزشی تیم های اعزامی ایران را در مسابقات با تیمهای سایر کشورها با ناکامی مفتضحانه روبرو ساخت.

سال گذشته، ساعات ورزش در مدارس کاهش یافت و بر ساعات تدریس "حدیث" و برپایی مراسم نوحه خوانی و سینه زنی افزوده شد. مالکان زمینهای ساخته شده شهری، که جوانان آنها را با کوشش جمعی خود به زمین ورزش تبدیل کرده بودند، با مجوز شرعی، سرزمینهای خود بازگشتند و بساط ورزش جوانان را به کوچه و خیابان ریختند. در سال گذشته همچون سالهای پیش از آن، جوانان و نوجوانان مادر کوچه ها و خیابانها و زمینهای پر گرد و خاک با پای برهنه و تورپلاستیکی ورزش کردند و در گرمای تابستان به آب آلوده و گل آلود جویها و نهرها پناه بردند. تظاهرات وسیع ضد رژیم در ورزشگاههای امجدیه و آزادی، حکومت خودکامه را در اجرای سیاست ضد ورزشی خود راسخ تر کرد و مسابقات فوتبال باشگاهها را تا اطلاع ثانوی تعلیل اعلام نمود.

سینماهای ایران، در طول سال گذشته جولانگاه منتقدترین فیلمهای کشورهای غربی بود. دست اندرکاران تهیه "فیلمقارسی" نیز پس از تحمل یک دوره رکود، هنرپیشگان بی هنر را با ریش و تسبیح و مقنعه تجهیز کردند و با سرهم بندی صحنه هایی از دعا و نماز و جنگ و بزن بزن، سودهای کلان به جیب زدند. فیلمهایی چون "پایگاه چینی"، "فرار و استعاضه"، "باسوژه های بی محتوا، ماهها اکران سینماهای کشور را اشغال کردند. دست اندرکاران هنر اسلامی! از نمایش فیلم های با ارزش که دارای جنبه های ترقی خواهانه است، حتی در دانشگاهها جلوگیری کردند. کانون فیلم دانشگاه تهران،

دانشگاهها و دبیرستانها و حتی دبستانها روی آوردند. موسوی نخست وزیر در ملاقات با اعضای انجمن اسلامی معلمان تهران گفت: "حضور هزاران جوان و نوجوان در جبهه جنگ علیه کفر جهانی بخشی از نتایج زحمات معلمین است." (اطلاعات ۱۴ شهریور ۶۳). در آستانه نوروز ۶۳ تنها در یک روز ۲۰ نفر از دانش آموزان منطقه نازی آباد همراه مدیر خود قربانی مطامع جنگ افروزان شدند (اطلاعات ۱۳ اسفند ۶۳).

بیماران شهرها بر ابعاد مهاجرت از مناطق جنگی افزود. موسوی نخست وزیر رژیم تعداد آوارگان را یک میلیون و شصت هزار نفر اعلام کرد (اطلاعات ۷ آذر ۶۳). جنگ در سال ۶۳، معادل ۱۳.۲/۶ میلیارد ریال از بودجه عمومی کشور را بخود اختصاص داد. رژیم برای تامین مخارج جنگ خوشریز، نفت تنها منبع تامین ارز و ثروت نسلهای آینده میهنمان را بعرض حراج گذاشت. غرضی در مجلس اسلامی گفت: "باید نفت فروخت و با پول آن جنگید" (اطلاعات ۱۶ خرداد ۶۳).

سال ۶۳ در میان آتش و خون، در حالیکه حملات دو طرف متخاصم به شهرهای مسکونی و مناطق غیر نظامی ابعاد وحشیانه ای به خود گرفته است به پایان رسید. عملیات ناکام "بدر" که به زعم جنگ افروزان می بایست کار جنگ را یکسره سازد به شکست انجامید. خیرگزاری ها شمار کشته شدگان ایرانی را بین ۱۵ تا ۲۵ هزار نفر ذکر کردند. بار دیگر کوچه ها و خیابانهای تهران و شهرهای ایران حمله باران شد.

ورزش و تفریحات سالم

صرف نزدیک به ۵۰ درصد بودجه عمومی کشور جهت مصارف جنگی و بحرانهای مالی ناشی از آن، عدم پرداخت مالیات از طرف سرمایه داران و تجار بزرگ و توسعه دزدی و فساد در دستگاههای اداری، جایی برای رسیدگی رژیم به ورزش و برنامه های فوق العاده علمی، فرهنگی و هنری برای جوانان باقی نمی گذارد. در سال گذشته

تجاوز دست می زدند، طشت رسوایی رژیم را از بام بزرگ افکند.

مقامات مسئول با دست پاچگی عضویت جنایتکاران را در نهادهای سرکوبگر تکذیب کردند. واقعیت اینست که اوپاش فعال در کمیته ها و سپاه، باتکیه بر اسلحه و قدرت، تا آنجا در تجاوز به حقوق و جان و مال و ناموس مردم پیش رفتند که دزدان و آدمکشان نام و لباس آنان را بهترین پوشش برای ارتکاب جنایات خود یافتند.

در سال گذشته وزارت اطلاعات خلف صلیق ساواک شاهنشاهی رسماً آغاز بکار کرد. حجت الاسلام ری شهری، جانشین نصیری معدوم، همزمان با سالگرد انقلاب بهمن، خیر دستگیری و کشتار وسیع جوانان مبارز در سراسر کشور را طی مصاحبه مفصلی به اطلاع مردم رساند.

وسعت دامنه پیگیری و بازداشت نیروهای مترقی، رژیم خودکامه را با مشکل کمبود زندان مواجه کرد. حاکم شرع زندان اوین در مصاحبه با روزنامه کیهان گفت: "قبل از انقلاب و اوآن پیروزی انقلاب مسئولین فکر نمی کردند که ما اصلاً اینقدر نیاز به زندان داشته باشیم... لذا یک مشکل هم کمبود جا است."

در طول سال گذشته عده ای از بهترین جوانان میهن ما به جرم آزاد اندیشی و تعهد به مبارزه در راه منافع توده ها، از توده ای و فدایی و مجاهد و راه کارگرو... بدست جلادان رژیم به جوخه های اعدام سپرده شدند و یا زیر شکنجه های وحشیانه بشهادت رسیدند. همپای تشدید یورش وحشیانه رژیم ج.ا. به آزادیهای دموکراتیک مردم میهن ما جنبش مقاومت توده ای نیز شکل می گیرد. اعتصاب های متعدد کارگری، تظاهرات عظیم جوانان در استادیوم امجدیه و آزادی، فرار از چپبه ها و خدمت سربازی، مخالفت علنی با جنگ ویرانگر، از جلوه های چشمگیر مبارزه مردم ایران و جوانان پرشور و آگاه... میهن ما است.

پایین گذشته بدون هیچ دلیل و بهانه ای بسته شد. سال گذشته و یقیناً کتاب فروشی ها در انحصار شتی اراچید، تحت عنوان "اسلامی" و یک سری رمان ها و مقالات ضد کمونیستی و ضد شوروی بود. رژیم جمهوری اسلامی، همزمان با محور فیزیکی جوانان، چه در چپه ها و چه در زندان ها مسخ روحی و فکری جامعه را نیز از وظایف مهم خود می شمارد. توجه آثار نویسندگانی چون آرتور کویتلر، اسپربر و اورول، بمنظور نفی اندیشه های مترقی، اثبات بیهودگی مبارزه در راه استقلال و آزادی، ترویج روحیه یاس و دلردگی و تسلیم در برابر قدرت حاکمه منتشر شد و به سهولت و فراوانی در دسترس جوانان مشتاق مطالعه قرار گرفت. عدم امکان ادامه تحصیل، بیکاری، نبود هر نوع امکان آموزشی، فرهنگ و هنری جوانان میهن ما را گروه گروه بدام اعتیاد به مواد مخدر می اندازد. تنها در اواخر خرداد ماه سال ۶۳ در تهران و شهرستانها جمعاً ۴۵۵۲ کیلو انواع مواد مخدر کشف شد (۲۲۵) نفر دستگیر شدند. وزیر کشور رژیم ج.ا. به وجود بیش از یک میلیون نفر معتاد در ایران اعتراف کرده و گفت: "اگر هر کدام بطور متوسط روزی ۱۰۰ تومان خرج داشته باشند، در روزی بیش از صد میلیون تومان خرج میشود که بصورت ارز از کشور خارج میشود." (جمهوری اسلامی ۶ مرداد ۶۳).

از بی آمدهای مخرب سیاست ضد خلقی رژیم، بالا رفتن آمار خودکشی بین جوانان و افزایش تعداد باندهای سرقت و جنایت است که اعضای آنها اغلب جوانان و نوجوانان تشکیل می دهند.

آزادی های دموکراتیک

در سال گذشته ۲ کشت جدید به گشت های رنگارنگی که امنیت و آسایش را از مردم سلب کرده اند افزوده شد. ماورین مسلح هر جا و به هر بهانه به تفتیش بدنی عابران و بخصوص جوانان پرداختند. کشف "بانده سیندرولا" که اعضای آن با لباس و کارت کمیته و سپاه به قتل، دزدی و

مصاحبه آرمان با نماینده سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران
در بریتانیا در مورد

وضع دانشجویان ایرانی در بریتانیا

س: لطفا در مورد تعداد دانشجویان ایرانی در بریتانیا و چگونگی ورود به دانشگاه توضیح مختصری بدهید.

ج: اجازه دهید در ابتدا از طرف کلیه اعضا و هواداران سازمان در بریتانیا انتشار مجدد آرمان را به جوانان و دانشجویان مترقی ایرانی تبریک بگویم و برای آرمان در مبارزه انقلابی علیه اختناق حاکم و برای حقوق جوانان و دانشجویان میهن‌مان آرزوی موفقیت بکنم. اما در مورد سؤال شما باید بگویم که در حال حاضر آمار دقیقی از دانشجویان ایرانی در بریتانیا موجود نیست، ولی تخمین زده می‌شود که حدود ۱۸ هزار نفر دانشجوی ایرانی در موسسات مختلف آموزش عالی مشغول تحصیل اند. البته این رقم بدون در نظر گرفتن دانش‌آموزان و دانشجویانی است که در دوره‌های ماقبل دانشگاهی تحصیل می‌کنند. جوانان ایرانی با مدرک کمتر از دیپلم به بریتانیا می‌آیند معمولا ابتدا می‌بایستی دوره آخر دبیرستانهای اینجا را بگذرانند. بسته به موفقیت در این دوره آنها می‌توانند وارد دانشگاه یا پلی‌تکنیک شوند. دانشجویانی که در پلی‌تکنیک‌ها و کالج‌های فنی در رشته فوق دیپلم مشغول تحصیل می‌شوند، می‌توانند پس از گذراندن دوره سه ساله در آنجا به سال دوم لیسانس در دانشگاه‌ها منتقل شوند.

س: وضعیت پرداخت شهریه چگونه است؟

ج: بعد از روی کار آمدن دولت محافظه کار تاچر شهریه‌های دانشگاه‌ها برای دانشجویان افزایش نجومی پیدا کرد. خصوصا شهریه سالیانه دانشجویان خارجی به ۷۰۰۰ پوند افزایش یافت و در مورد برخی رشته‌ها مانند پزشکی به ۶۰۰۰ پوند رسید. اکنون اکثر دانشجویان ایرانی باید سالیانه این مقدار شهریه بپردازند که واقعا کمر شکن است. حتی آن عده از دانشجویان ایرانی که دانشجوی محلی نیز شناخته می‌شوند می‌بایستی بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ پوند شهریه پرداخت کنند که خود رقم بسیار قابل توجهی است.

س: بر چه اساسی دانشجویان خارجی و محلی طبقه بندی می‌شوند؟

ج: ملاک تقسیم بندی دانشجویان را شکل اقامت آنها در بریتانیا تعیین می‌کند. البته باید بگویم که تا سال قبل دعوای زیادی بر سر تعریف و تفسیر این قانون بود ولی سال گذشته دولت تاچر قانونی در مجلس این کشور به تصویب رساند که

براساس آن کلیه دانشجویانی که اولاً کمتر از سه سال در بریتانیا بوده‌اند و ثانیاً بخاطر تحصیل به این کشور آمده باشند، دانشجوی خارجی محسوب می‌شوند و می‌بایستی تمامی شهریه ۲۷۰۰ (ویا ۶۰۰۰ پوند) را بپردازند. البته در مورد این قانون استثناهایی نیز وجود دارد که عبارتست از: ۱- کلیه کسانی که به پایک شهروند انگلیسی ازدواج کنند و یا به هر علت غیرسیاسی دیگر اجازه اقامت دائم دریافت دارند، پس از گذشت سه سال از تاریخ صدور ویزای دانششان می‌توانند دانشجوی محلی به حساب بیایند، ۲- دانشجویانی که به علل سیاسی اجازه اقامت دائم و یا موقت دریافت می‌کنند از تاریخ صدور ویزا می‌توانند دانشجوی - ملی محسوب شدند.

س: دانشجویانی که ارزشان قطع می‌شود و یا نمی‌توانند شهریه‌شان را بپردازند چگونه به تحصیل خود ادامه می‌دهند؟

ج: در مورد دانشجویانی که ارزشان قطع می‌شود معمولاً دانشگاهها حاضر هستند که پرداخت شهریه را بصورت قسطی قبول کنند، ولی در صورت عدم امکان دانشجوی برای پرداخت شهریه حتی به صورت قسطی، اجازه ادامه تحصیل دانشجوی، خصوصاً اگر در ابتدای سال تحصیلی باشد، لغو می‌شود. تا سال قبل دانشجویان در صورت بروز چنین مسئله‌ای می‌توانستند در دو رشته نیم‌وقت (یعنی یک روز در هفته) که هر کدام شهریه‌اش تقریباً حدود ۲۰۰ پوند است، ثبت نام کنند و از این طریق اشکال ویزایی پیدا نکنند. ولی امسال وزارت کشور بریتانیا با درک این مسئله مشکلات زیادی بر سر راه دانشجویانی که در دو رشته تحصیلی بصورت نیمه وقت تحصیل می‌کنند، ایجاد کرده است. ولی هنوز امکان ادامه تحصیل به این شیوه وجود دارد و بسیاری از دانشجویانی که ارزشان قطع شده و ویزای دانشجویی دارند به همین ترتیب و یا کار کردن تحت شرایط بسیار دشوار به تحصیل ادامه می‌دهند. بدیهی است که این مسئله شامل حال کسانی که ویزای سیاسی دائم و یا موقت گرفته‌اند نیست. این دسته از دانشجویان می‌توانند در یک رشته نیمه وقت تحصیل کرده و حتی از بیسه‌های اجتماعی انگلستان شهریه و مقرری دریافت کنند.

س: در مورد برخورد سفارت با دانشجویان ایرانی مختصری توضیح دهید؟

ج: سفارت جمهوری اسلامی مانند سلف خود یعنی سفارت شاهنشاهی در واقع مرکز کنترل و ارباب دانشجویان ایرانی است و نه مرکزی برای کمک و رسیدگی به کارهای آنها. "برادران" سفارت و قلیفه "اسلامی" خود را در توهین به دانشجویان و تمقیر آنها به نحو احسن انجام می‌دهند. دانشجویان معمولاً برای گرفتن یک تاییدیه کوچک برای کالج یا دانشگاهشان می‌بایستی چندین بار به سفارت مراجعه کنند. تازه هر روز هم یک قانون جدید درمی‌آید. به عنوان مثال ورقه ارزی دانشجویی پس از مدتها توسط سفارت مهر می‌شود. ولی بعد از اینکه این ورقه را به ایران می‌فرستند تا ارز دانشجویی را ارسال کنند وزارت "علوم" در ایران به خانواده دانشجوی می‌گوید که ما رشته ایشان را دیگر به رسمیت نمی‌شناسیم و سفارت بیخورد کرده که ورقه را مهر کرده است. و یا گاهی برعکس نیز اتفاق می‌افتد که در ایران به خانواده دانشجوی می‌گویند رشته را برسمیت می‌شناسند و اینجاست سفارت تصمیم می‌گیرد که این رشته را برای رسیدن به "خودکفایی" جمهوری اسلامی مناسب نیست.

ملاحظه می‌کنید که در واقع دانشجوی مثل توپ فوتبال بین مقامات مختلف جمهوری اسلامی پاس داده می‌شود.

بخش دیگر و مهمتر کار سفارت جمهوری اسلامی جاسوسی علیه دانشجویان ایرانی است. مسئول اداری این قسمت در سفارت "برادر احمدی" است. اطلاعات داده شده توسط جاسوسان و مزدوران رژیم در دانشگاهها و پلی تکنیک‌ها در این مرکز جمع آوری شده و سپس برای تک تک دانشجویان کارت امنیتی تهیه می‌گردد. اینها در واقع همان کارت هایی هستند که دانشجوی می‌بایستی بهنگام گرفتن ارز با ارائه دو قطعه عکس پر کنند. در قسمت پایین و پشت این کارت ها جای مخصوصی به "ملاحظات" اختصاص داده شده است که معمولاً سابقه سیاسی دانشجوی از قبیل اینکه مجاهد است یا توده‌ای و غیره نوشته می‌شود. برخورد رژیم با این اطلاعات به دو نوع است.

برخورد اول: معمولاً هنگام رجوع دانشجوی برای تمدید پاسپورت و یا ورقه ارزی، "برادران" به دانشجوی می‌گویند که "شما بعداً تلفن بزنید چونکه باید جداگانه به کار شما رسیدگی کرد". بعد از گذاشتن قرار ملاقات، دانشجوی به سفارت می‌رود و با یکی از "برادران وارد" در کار امنیتی "به گفتگو" می‌نشیند، البته باید بگویم که اخیراً چون سفارت در این کارها ضعف هایی داشته است عده‌ای از "برادران" متخصص تر سپاه را از ایران به اینجا منتقل کرده‌اند.

بازجویی در ابتدا با توپ پر و تهدیدهای بازجو آغاز می‌شود که "ما همه چیز را راجع به تو می‌دانیم و حتی از تو عکس هم داریم و می‌دانیم که تو علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده‌ای و بهتر است خودت همه چیز را بگویی". البته سفارت عکسهای، از تظاهراتی که شرکت کنندگان با روی باز شرکت می‌کنند، دارند و اگر فرد جزو آنها باشد عکس را برای قویتر کردن اثر بازجویی به دانشجوی نشان می‌دهند. بهر صورت بازجو سوالات زیادی از قبیل اینکه "در کدام جلسات می‌رفتی"، "چه روزنامه‌ای می‌خواندی" و یا "با چه کسی در تماس بودی" را پشت سرهم به دانشجوی تحویل می‌دهد. خلاصه اینکه حضرات روشهای تیرین شده در اوین را در کنسولگری به اجرا می‌گذارند. معمولاً این بازجوییها می‌تواند دوسه بار دیگر تکرار شود. هدف بازجو شکستن دانشجوی و گرفتن اطلاعات در مورد دوستان و فعالیتش و در پایان حتی اجبار دانشجوی به نوعی همکاری است. البته باید بگویم که اکثر اوقات این اهداف با شکست روبرو می‌شوند.

برخورد دوم: سفارت از شیوه دوم دو هدف را دنبال می‌کند. یکی اینکه اگر دانشجوی از نظر سیاسی فعال است تصور کنند که تا بحال سفارت او را نشناخته و بهتر است فعالیتش را کمتر و یا حتی قطع کنند. دیگر اینکه این امر بر دانشجوی مشتبه شود که چون نمی‌شناسندش می‌تواند برای تعطیلات و یا حتی بطور دائم به ایران برگردد، که در هر دو صورت به اصطلاح دام "برادران" موثر واقع شده است. معمولاً در صورت شکست برنامه "دام"، "برادران" فوراً به برخورد اول روی می‌آورند.

س: آیا شما اقداماتی جهت افشای این تضييقات سفارت انجام داده ايد يا نه؟

ج: البته کارهایی که ما و سایر نیروهای مترقی می‌توانیم در این زمینه بخصوص انجام بدهیم، محدود است. ولی در همین چارچوب ما هر کجا که فهمیدیم جاسوسان

سفارت در دانشگاهها فعالیت دارند و با انجمنی دارند، به "اتحادیه" اطلاع داده‌ایم و سعی کرده‌ایم جلوی فعالیت آنها را توسط "اتحادیه" بگیریم. بر اثر فشار "اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا" اغلب اوقات دانشگاهها و موسسات تحصیلی از دادن اطلاعات در مورد دانشجویان به سفارت خودداری می‌کنند. من در دیداری که اخیراً با رئیس اتحادیه سراسری دانشجویان بریتانیا داشتم مجدداً این موضوع را به وی متذکر شدم که سفارت روی بعضی از دانشگاهها فشار می‌آورد که اگر از وضع دانشجویان به سفارت گزارش ندهند، ارز دانشجویان را قطع خواهند کرد. وی به ما قول داد که شورای مشترک دانشگاهها با اتحادیه، این موضوع را حتماً مجدداً مطرح کند و به همکاری بعضی از دانشگاهها در این زمینه با سفارت شدیداً اعتراض کند.

فعالیت دیگر ما افشای این رژیم جنایتکار و مزدوران آن در دانشگاههاست. این کار را معمولاً با پخش خبرنامه‌ها، اعلامیه‌های انگلیسی و گذراندن قطعنامه در شورای اتحادیه دانشگاه، انجام می‌دهیم و البته در این زمینه موفقیت ما و سایر نیروهای مترقی بسیار چشمگیر بوده است. بطوریکه اکنون تقریباً حتی یک دانشگاه ویا موسسه تحصیلی در بریتانیا وجود ندارد که قطعنامه‌ای در محکوم کردن رژیم سفاک جمهوری اسلامی و مزدوران سفارت به تصویب نرسانده باشد. این کار معمولاً به موازت مزدوران سفارت توسط سفارت منتهی می‌شود. و مزدوران سفارت به شکل وحشیانه‌ای دانشجویان مترقی را مورد پیگرد و تهدید و حمله بدنی قرار می‌دهند. در شرایط حاضر اگر عملکرد مشترکی بین نیروهای مترقی در دانشگاهها وجود می‌داشت مسلماً فعالیت‌های افشاگرانه ما اثرات بیشتری برجای می‌گذارد. در هر صورت ما در اینجا تمام تلاش خود را برای دست یافتن به این عملکرد مشترک بکار می‌بریم.

بقیه مقاله ۷۰٪ تصمیم‌ها ...

به زبان ساده یعنی جوانان کُرد به دلیل جوسپاسی منطقه نمی‌توانند از سد گزینش رد شوند، مگر آنکه "وضعیت خانوادگی" مناسبی داشته باشند، یعنی مثلاً پدرشان یا برادرشان مامور رژیم باشند.

همه اینها برای چیست؟ برای آنکه جلوی جوانان مشتاق و علاقمندی که می‌خواهند تخصص عالی فراگیرند و به میهنشان خدمت کنند گرفته شود و به جای آنها عده‌ای مطابق با الگوی ارتجاعی رژیم دانشگاهها را پر کنند.

رواج فرهنگ مبتذل و مسئولیت رژیم

آیا کسی را به غیر از همین آقایان که امروز فریاد "آی دزد" سر می دهند، سراغ دارید؟ چه کسی بود که با افتخار خبرنگار خیرانهدام چندین کامیون کتاب علمی و فنی را که از سوی اتحاد شوروی و باقیمت نازل راهی ایران شده بوده اعلام کرد؟ چه کسی بود که سینماهای ایران را به عرصه تاخت و تاز ششول بندهای غرب تبدیل کرد و جلوی نمایش فیلمهای مترقی را گرفت؟

یاسخ تمام این سئوالات برای جوانان روشن است. آنها به روشنی می بینند که سیاست درهای بازی که رییس جمهور کشور اعلام کرده است تنها متوجه غرب است. آنها شاهدند که سیاست وابستگی هرچه بیشتر به غرب سرعت احیای می شود. آنها می بینند که سیاست رسی وزارت علوم اعزام دانشجویان به کشورهای غربی است و نه سوسیالیستی. آنها می بینند که داشتن تحصیلات غربی و گذراندن سالهای سال در جوامع غربی نه تنها عیب به حساب نمی آید بلکه عامل مهمی در کسب پست های وزارتی است. اما هر که در شرق درس خوانده باشد چایش در زندان است. آنها می بینند که کتابخانه های مختلف چه عمومی و چه دانشگاهی مملو از کتابهای غربی است در حالیکه از کتابهای چاپی کشورهای سوسیالیستی اثری نیست.

بله جوانان ماهمه اینها را می بینند و مسئول اصلی آنها را می شناسند. مسئول اصلی و واقعی رژیم است که عالما و عامدا فرهنگ مبتذل غربی را در کشور رواج داده و علیرغم همه این توبی و تشرهای ظاهری، همچنان بکار خود ادامه می دهد.

این روزها کلایه از اشاعه فرهنگ مبتذل غربی در رسانه های گروهی رژیم رواج فراوان یافته است. اشمه جمعه دستور دارند که در خطبه های خود این امر را محکوم کنند و برای خاطیان خطو نشان بکشند. دادستانی و دادگاهها به جنب و جوش افتاده اند. دایره امر به معروف و نهی از منکر (که باید امر به منکر و نهی از معروف نامیده شود) پشت سرهم اطلاعیه می دهد. دایره کردن پوتیک غیر قانونی می شود. روزنامه های مختلف و آنها که قلمشان به اشاره آقایان می چرخد، در صفحات عریض و طویل روزنامه ها تحلیل های مسلسل ارائه می دهند. همه اینها آدم را به یاد آن حکایتی می اندازد که طرف مال مردم را دزدیده بود و برای رد گم کردن دادمی زد؛ آی دزد، آی دزد!

باید از آقایان جامع العلوم پرسید مگر کسی غیر از همین مسئولین جمهوری اسلامی، غیر از همین حاکمیت در اشاعه فرهنگ مبتذل غربی مقصر بوده است. چه کسی غیر از این آقایان تمام امکانات سالم آموزشی و تفریحی را از جوانان سلب کرد. چه کسی امکانات ورزشی را محدود کرد؟ چه کسی تلویزیون و رادیو رایه آلات نوحه خوانی و روضه تبدیل کرد و به اشاعه فرهنگ ویدئویی یاری رساند؟ چه کسی بر سر راه مسافرت جوانان هزار و یک مشکل گذاشت. چه کسی افراد سپاه را در کوهستانها گماشت تا مانع از تفریح جوانان در طبیعت شوند. چه کسی تفریح در کنار دریا را عملا غیر ممکن ساخت و بالاخره چه کسی در را بر روی غرب باز کرد؟

برای نجات فرهنگ ملی، علیه تارک اندیشان حاکم مبارزه کنیم!

جنبش انقلابی جوانان و جوانان انقلابی

وظیفه مهم جوانان انقلابی

با درک این وضعیت بفرنج و با در نظر داشتن نقشی که جوانان می توانند در مجموعه جنبش مردم ایفا کنند، وظیفه دشواری در برابر همه جوانان انقلابی و مترقی میهن ما قرار گرفته است. جوانان پیشرو باید با کاربست خلاق تجارب ارزشمند مبارزه جوانان در سالهای گذشته و پرهیز از خطاهای آزمون شده، جای شایسته خود را در سازماندهی و اعتلای جنبش جوانان در پیوند با جنبش عمومی مردم بیابند.

قبل از هر چیز باید توجه داشت که عرصه اصلی فعالیت جوانان انقلابی در میان جوانان همان جایی است که آنها زندگی، کار و یاد تحصیل می کنند. با اینکه جنبش جوانان بخش جدایی ناپذیر جنبش عمومی خلق پشاورمی آید، اما در عین حال هویت ویژه خود را داراست. بدان معنی که جنبش جوانان پیش از همه بر پایه خواست های مشخص، امکانات، شیوه ها و روحیات خاص آنان بوجود آمده و گسترش می یابد. بدون تردید جنبش جوانان، با حفظ ویژگی های خاص خود، همانندی ها و همگامی های فراوانی با مبارزه دیگر اقشار مردم دارد. مثلا پیمان فوری جنگ خواست همه مردم ایران است، جوانان هم با شعارهایی مانند "جوانان بیش از این نمی خواهند کشته شوند، جوانان صلح می خواهند" عملا در مبارزه همه مردم برای قطع فوری جنگ شرکت می کنند. باید با درک قانونمندی های مبارزه و تشخیص درست شرایط، جوانان را در محور عمومی خواستهای خودشان متشکل کرد و به عرصه مبارزه کشاند.

طغیان خشم آلودهها مزار جوان در ورزشگاه های امجدیه و آزادی تهران بزرگ ترین نمونه های حرکات اعتراضی جوانان در سالهای اخیر، علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران پشاورمی روده این تقاضاها گسترده و هزاران نمونه کوچکتر که هر روز به شکلی در شهر و روستا، در دانشگاهها و مدارس در محل کار و زندگی، در خیابان ها و ورزشگاهها و هر جای دیگر به وقوع می پیوندد، به روشنی گواه درجه نفرت اکثریت جوانان میهن ما از سیاست های ضد مردمی، ضد دمکراتیک و قرون وسطایی رژیم ج.ا. است.

جوانان به تنگ آمده از مشکلات نامتکثیر در هر زمینه از زندگی و برخورد های کوتاه نظرانه و شبه فاشیستی حاکمیت با آنان، با وجود همه فشار پلیسی - امنیتی رژیم، هیچ فرصتی را برای نشان دادن خشم خود از دست نمی دهند.

جنبش اعتراضی جوانان در سالهای اخیر بر پتر زمینه های عینی و ذهنی موجود در جامعه همواره گسترش یافته است. مردم میهن ما شاهد غارت ثروت های ملی، سرانزیرشدن میلیاردها دلار به جیب دلان اسلحه برای ادامه سیاست های جنگ طلبانه و صرف صدها میلیون تومان برای برگزاری این یا آن کفکره تبلیغاتی رژیم اند. در حالی که خواست تامین ابتدایی ترین نیازاتشان با برچسب "زیاده خواهی" و "رقه طلبی" از سوی مسئولین جمهوری اسلامی مواجه میشود. مردم و بویژه جوانان همه اینها را می بینند ولس می کنند و بصورت انبیا باروت آماده انفجار درمی آیند. حساسیت رژیم نسبت به جوانان و مقابله خشنوت بار آنان از همین واقعیت سرچشمه می گیرد.

کوچک، می توانند به نیروی محرکه و جرقه اولیه حرکت های اعتراضی جوانان در بخش های وسیع تری از محل زندگی، تحصیل و یا کار بپردازند.

بگردن شعارها و برنامه های انقلابی به میان جوانان، افشای سیاست های ضد مردمی رژیم، بازگردن علل مشکلات و کمبودهای موجود و جلب آنها به مبارزه متحد برای کسب حقوق حقه خود، نیاز به فعالیت یا حوصله و پیگیری دارد. باید در جریان مبارزه نه تنها به نیازها و خواست های عینی جوانان توجه کرد، بلکه باید امکانات و ظرفیت، توان و روحیات آنها را نیز در مد نظر داشت. جوانان نیز مانند سایر اقشار مردم، نه فقط با شعارهای روی دیوار، اعلامیه و یا تبلیغ پرشور بلکه همچنین در تجربه زندگی و مبارزه خود به درستی برنامه ها و اهداف نیروهای انقلابی در مبارزه برای آزادی، پیشرفت اجتماعی و دفاع از حقوق زحمتکشان کشور علیه وابستگی بی می برند. بنا براین نحوه عمل ما در گسترش آگاهی سیاسی و اجتماعی جوانان و جلب آنان به مراحل عالی تر مبارزه اجتماعی دارای اهمیت ویژه است. همچنین سازماندهی حرکات اعتراضی جوانان برای دستیابی به خواست های معین صنفی یا سیاسی باید با دقت و هوشیاری انجام شود. هر نوع تندروی و یا احتیاط کاری بی مورد در انتخاب هدف های یک حرکت اعتراضی می تواند به سرخوردگی جوانان و انحراف آنها از جاده اصلی مبارزه بینجامد. باید فراموش نکرد که موفقیت های موضعی در گسترش و ژرفش مبارزه جاری مردم و شکستن جو سرکوب و اختناق نقش مهمی ایفا می کنند.

حرف آخر اینکه، باید از همه امکانات موجود در محل زندگی، کار و تحصیل برای رشد و سازماندهی جنبش جوانان سود جست.

تجربه ارزشمند مبارزات سالهای گذشته نشان داده است که برای سازماندهی جوانان و جلب آنها به مبارزه مشخص، و برای تحقق این یا آن خواست، نباید در پی اشکال پیش ساخته و قالبی مبارزه بود. مدرسه، دانشگاه، محله، مراکز کار، روستا، ورزشگاه، زمین بازی کنار خیابان و خلاصه هر کجا که جوانان گرد می آیند، مرکزی برای فعالیت، تبلیغ و سازماندهی جوانان است. وضعیت ناهنجار آموزشی و فرهنگی، کمبود استاد و معلم، اعمال سیاستهای قرون وسطایی در محیط آموزش و زندگی، کمبود کتابخانه، کمبود آزمایشگاهها و کارگاههای مجهز، کمبود امکانات ورزشی، جلوگیری از انتشار کتابهای سودمند و نداشتن فیلمهای مترقی، ایجاد مانع در راه شکوفایی و بالندگی استعداد جوانان، سخت گیری های آزاردهنده و مخافتان به انقلاب در محدود کردن غیر منطقی روابط سالم و سازنده جوانان، اعمال خودسرانه انجمن های اسلامی و تقنین عقاید، حقوق پایمال شده کارگران جوان، اعتقاد و فساد روید گسترش و صدها نمونه از این دست، بسته به موقعیت و شرایط و عرصه های مشخص کار و مبارزه جوانان است. در زمینه مسائل عمومی جامعه جوانان می توانند در دفاع از زندانیان سیاسی و حمایت از خانواده های آنان، افشاء جنایات رژیم و همچنین نابرابری های اجتماعی - اقتصادی و فشارهایی که متوجه زحمتکشان کشور می شود، نقش موثری داشته باشند.

بدین ترتیب طی یک روند، مبارزه جوانان با مبارزه عمومی زحمتکشان کشور پیوند می خورد. باید توجه داشت که کمیت ناچیز و یا محدود بودن هدف های یک گروه از جوانان محله یا محل تحصیل و کار، مانعی برای فعالیت و سازماندهی انقلابی جوانان نیستند. این جمع های

زنده باد همبستگی بین المللی دانشجویان جهان!

هفتاد درصد تصمیم‌ها اشتباه بود!

به دنبال اعتراضات فراوانی که به نحوهٔ گزینش و شرایط آن از سوی داوطلبین ورود به مراکز آموزش عالی در سال گذشته صورت گرفت و دامنهٔ آن به مطبوعات مجاز نیز کشیده شد، اخیراً اعضای "دفتر رسیدگی به شکایات داوطلبان کنکور" در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان به برخی از واقعیات اعتراف کردند.

در ابتدا باید یادآوری کنیم که "دفتر رسیدگی به شکایات داوطلبان کنکور" از افراد وابسته به چهار نهاد زیر تشکیل می‌شود:

- هیات مرکزی گزینش دانشجو وابسته به وزارت علوم
- شورای تجدید نظر
- دفتر تحقیق و بررسی
- ستاد پیگیری فرمان امام

حال ببینیم چنین دفتر عریض و طولیلی با چنین ترکیب چهار جوش به چه نتیجه‌ای رسیده است.

بنا به اعتراف آقایان از ۳۲۰۰ مورد مردودی در گزینش که بررسی شده‌اند تنها در مورد ۱۰۵۰ پرونده همان نتیجه اول حاصل شده است. به بیان دیگر بیش از دوسوم یا حدود هفتاد درصد موارد مردودی بر خلاف ضوابط بوده است. تازه این چیزی است که آقایان می‌گویند و در مطبوعات رسمی نیز انعکاس یافته است. ولی همین قدر نیز کافی است تا گوشه‌ای از آشفتگی حاکم بر رژیم را نشان دهد.

این دفتر، البته به نتایج دیگری نیز رسیده است. از جمله:

در مورد گزینش عقیدتی "سال گذشته از روش جدیدی استفاده کردیم که همان تحقیق از کانال آموزش و پرورش بود".

کانال آموزش و پرورش به زبان ساده چیزی جز انجمن‌های اسلامی و مسئولین امور تربیتی نیست. ولی ظاهراً این روش به اندازه کافی کارساز نبوده است. چون:

"برای گزینش عقیدتی - اخلاقی داوطلبان کنکور ورود به دانشگاه‌ها روش استعمال از مراکز رسمی کافی نیست و باید شیوه تحقیق نیز انجام شود".

معنی این جمله به زبان ساده این است که علاوه بر اطلاعاتی که از سازمان امنیت رژیم، انجمن‌های اسلامی و دیگر نهادها کسب می‌شود، باید گروه‌های مستقلی جهت تحقیق اختصاص یابد.

حال بد نیست از ضوابطی که جهت گزینش تنظیم شده‌اند، مطلع شویم:

"در این ضوابط، شرایط مختلف داوطلب از نظر جو سیاسی منطقه و یا مسائل وضعیت خانوادگی مورد نظر قرار می‌گیرد".



خواستهای مبارزات کارگران جوان

طبقه کارگر میهن ما که از سیاست ضد کارگری رژیم ارتجاعی "ولایت فقیه" رنج می برد، برای کسب حقوق صنفی و سیاسی خود مبارزه می کند. نقش کارگران جوان در این مبارزه روبه رشد، چشمگیر است. در کنار خواسته های اقتصادی و سیاسی که برای عموم زحمتکشان در شهر و ده مطرح است، کارگران جوان خواست های ویژه ای نیز دارند که با جلب حمایت همه زحمتکشان، برای تحقق این خواسته ها مبارزه می کنند.

خواستهای کارگران جوان

بخش بزرگی از فروشندگان نیروی کار از جوانان ۱۴ تا ۲۵ ساله تشکیل می شود. این نیروی عظیم و جوان، قبل از ورود به عرصه کار و بس از آن، با مشکلات بزرگی روبروست. بیکاری و عدم امکان اشتغال، اولین مانع بر سر راه جوانان آماده به کار است.

بنابر آمار رسمی ۲۰ درصد نیروی کار، امکان اشتغال ندارد. رقم واقعی بیکاران که جوانان بخش عمده آنها تشکیل می دهند برآتب بیش از ارقام اعلام شده و حدود ۴ میلیون نفر است. حق اشتغال بعنوان یک خواست مبرم برای جوانان میهن ما مطرح است. سالانه حدود یک میلیون جوان به سن اشتغال می رسند. اکثریت این جوانان به ارتش میلیونی بیکاران می پیوندند. امنیت شغلی کارگران و بیش از همه کارگران جوان بازبچه دست مسئولین مرتجع جمهوری اسلامی و کارفرمایان سردچوست.

اخراج از کار عمدتاً دامن کارگران جوان را

می گیرد. ماده ۳۳ قانون کار شاه که همچنان اجرا می شود، جواز اخراج کارگران را به کارفرمایان داده است. میزان دستمزد کارگران بهیچوجه پاسخگوی حداقل نیازهای انسانی زحمتکشان نیست. دستمزد کارگران جوان در کارگاههای کوچک از میزان حداقل رسمی نیز کمتر است. بسیاری از جوانان و نوجوانان کارگر روزانه ۲۰-۲۰ تومان دستمزد دریافت می کنند. حداقل دستمزد رسمی کارگران صنعتی بمدت ۵ سال از سال ۵۹ تا پایان سال ۶۲ در سطح روزانه ۶۲۵ ریال ثابت نگاهداشته شد. به کارگران جوان شاغل در کارخانه های بزرگ، این مبلغ بعنوان دستمزد پرداخت می شود. برای سال ۶۴ فقط ۸۵ ریال به این رقم افزوده شده و حداقل دستمزد معادل ۷۲۰ ریال در روز تعیین شده است. بنابر آمار رسمی متوسط هزینه یک خانوار شهری در سال معادل ۹۲۷۸۹ ریال (روزنامه اطلاعات ۱۳۳۷/۷/۸) یعنی روزانه بیش از ۲۰۰ تومان بوده است. حداقل دستمزد که باید هزینه زندگی یک کارگر، همسر و ۲ فرزند او را تأمین کند، حتی پاسخگوی کرایه مسکن زحمتکشان جوان نیست و جوانان کارگر از حق برگزیدن همسر و تشکیل خانواده محروم می شوند.

امکان تحصیل و آموزش حرفه ای در حین کار برای کارگران جوان وجود ندارد. در طبقه بندی مشاغل، کارگران جوان در پایین ترین سطح شغلی قرار می گیرند. فقدان ایمنی و بهداشت کار، سلامت و زندگی کارگران، بویژه جوانان

جوان خواهان گنجاندن حقوق ویژه زحمتکشان جوان در قانون کار هستند.
با گذشت ۶ سال از انقلاب، بعثت پافشاری کارگران بر خواسته‌های خود، رژیم قادر به تحمیل قانون کار ارتجاعی مطلوب خود نشده است.

مبارزات کارگران جوان

کارگران جوان بعنوان بخشی از طبقه کارگر، در برابر سیاست ضد کارگری رژیم ایستادگی و مبارزه می کنند. سیاست سرکوب و فریب کارگران قادر به مهار جنبش عظیم زحمتکشان نیست. طبقه کارگر برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می رزمند.

ادامه جنگ با عراق خسارات هولناکی بر اقتصاد کشور وارد می سازد. طبقه کارگر و کارگران جوان بیش از همه از ادامه این جنگ زیان می بینند. اخاذی از دستمزد ناچیز کارگران برای ادامه جنگ، اعزام اجباری کارگران جوان به جبهه ها توسط بسیج کارخانجات، خشم کارگران را برانگیخته است. بسیج کارگری سیاه منطقه ۱۰ کشور، ۲۰ هزار کارگر از ۴۵ کارخانه تهران را روانه جبهه کرده که تاکنون ۷۰۰ نفر از آنان کشته و سدها نفر معلول و اسیر و مفقود شده اند. مقاومت کارگران در برابر اخاذی رژیم و اعزام اجباری آنان به جبهه در سال ۶۴ شدت گرفته است. در موارد متعددی کارگران علیه کسر حقوق و اعزام به جبهه دست به اعتصاب زده اند.

مبارزه برای افزایش دستمزد که عمده ترین خواست اقتصادی زحمتکشان در سال ۶۴ بود، بصورت کم کاری وسیع و اعتصابهای پرشار کارگری ظاهر شد. کارگران جوان در سازماندهی و مقاومت زحمتکشان نقش مهمی ایفاء می کنند. آنان در جریان جنبش انقلابی سالهای ۵۶ و ۵۷ تجارب گرانمایی کسب کرده اند و قادرند این تجارب را در جریان مبارزات روبه اوج طبقه کارگر بنحوشایسته ای بکار گیرند.

را تهدید می کند. بنابر آمار رسمی ۴۰٪ سوانح حین کار برای جوانان ۲۹-۱۰ ساله روی می دهد. تنها در عرض ۸۰ روز ۱۰ مهر تا آخر دی ماه سال ۱۳۶۸، نفر مجروح از کارگاههای مختلف منطقه صنعتی غرب تهران به بیمارستان شهید فیاض بخش منتقل شده اند ولی وزارت کار کل سوانح سال ۱۳۶۰ را ۱۵۶۰ مورد اعلام کرده است. انرجوانان و جوانان کارگر بخصوص در کارگاههای کوچک قربانی سودجویی سرمایه داران می شوند. آنان را بدون آموزش های لازم به کار روی دستگاههای پرس و برش برقی که فاقد حفاظهای ایمنی هستند می کارند. به کارگران جوان در اینگونه کارگاهها وسائل ایمنی فردی نیز داده نمی شود.

حق تشکیل مستقل صنفی از طبقه کارگر سلب شده است. کارگران جوان در قوانین ارتجاعی رژیم، بعثت کسی سابقه کار و سن، از حق ضایع شدن محروم می شوند. امکانات فرهنگی و ورزشی در اختیار کارگران جوان قرار نمی گیرد. حق اعتصاب پرسیت شناخته نشده و پس از وقوع اعتصاب عمدتاً کارگران جوان گرفتار موج وسیع اخراج ها و یا بازداشت می شوند.

زنان و دختران جوان در محیطهای کار از تبعیضات بیشتری رنج می برند. شیرخوارگاه و مهدکودک برای نگهداری فرزندان آنان در اکثر واحدها وجود ندارد و در موارد محدودی که این امکان فراهم است، بعثت محیط غیر بهداشتی، نداشتن مربی و ... سلامت کودکان درمخاطره قرار دارد. در زمینه واگذاری کار مناسب، مرخصی دوران بارداری و پس از زایمان، عدم واگذاری کارهای سخت و زیان آور، آموزش حرفه ای، پرداخت مزد مساوی با مردان در برابر کار یکسان، طبقه بندی مشاغل، امکانات فرهنگی و ورزشی و ... حقوق ویژه زنان کارگر و بخصوص دختران جوان نقض میشود.

تدوین قانون کار دمکراتیک با مشارکت شایندگان واقعی کارگران خواست عمده زحمتکشان و کارگران جوان است. کارگران

انواع انقلاب‌های اجتماعی

نگاهی به قانونمندی‌های انقلاب‌رهای پیش‌ش ملی

در زهدان نظام فئودالی تکامل یافته‌اند، و مناسبات تولید فئودالی، یا بقایا و بازمانده‌های این روابط و نیز نهادهای فئودالی، پایه اقتصادی انقلاب بورژوازی است.

بورژوازی نیروی رهبری کننده انقلاب بورژوازی است. و موفق می‌شود فعالیت دهقانان، خرده بورژوازی شهری و کارگران را در چهارچوب حفظ منافع خویش محدود کند. در حالیکه وظیفه اصلی انقلاب حذف مالکیت و نهادهای فئودالی و حل مسئله ارضی است. بورژوازی انقلاب را با سازش با نهادهای فئودالی و حفظ مالکیت بزرگ بر زمین خاتمه می‌دهد. لنین می‌گوید:

"بورژوازی هنوز هنگامی که انقلاب در نیبه راه مقصد است، هنگامی که هنوز تنها نمی‌آزادای بدست آمده است، کوشش می‌کند با معامله با قدرت‌های کهن و زمینداران انقلاب را خاتمه دهد. این تلاشها ریشه در منافع طبقاتی بورژوازی دارد" (کلیات - چاپ پنجم - جلد ۱۵ - ص ۲۰۶).

انقلاب قرن مقدم انگلستان که طی آن اگر چه تلاشهای زحمتکشان به اعلام جمهوری (۱۸۴۹) انجامید، اما بورژوازی بزرگ در رأس انقلاب سرانجام موفق شد دستاوردهای انقلاب را در چهارچوب حفظ سلطنت و مالکیت بزرگ بر زمین محدود کند. نمونه انقلاب بورژوازی است. از انقلاب ۱۸۱۰ پرتغال نیز در این زمره میتوان نام برد.

با پیشرفت سرمایه‌داری و شکل گرفتن پارولتاریا به مثابه یک طبقه "پرای خود"، بورژوازی بطور فزاینده‌ای خصلت انقلابی را از

صورتبندی اجتماعی - اقتصادی که انقلاب می‌بایست آنرا از میان بردارد و شاخص‌های ویژه نظام اجتماعی - اقتصادی که انقلاب راه آن را می‌گشاید، خصلت و محتوای مشخص هر انقلاب اجتماعی را معین می‌کند و هویت و ترکیب طبقاتی نیروهای محرکه و رهبری کننده انقلاب، چگونگی شرکت و تاثیر توده‌های مردم در آن و تعیین کننده درجه پیگیری و مستگیری نهایی انقلاب است.

لنین تاکید می‌کند که در هر انقلاب اجتماعی، هر یک از این دو دسته عوامل را می‌بایست با تحلیل مشخص واقعیات و با توجه به استقلال نسبی آنها از یکدیگر روشن کرد. در حالیکه سطح رشد نیروهای مولد هر جامعه و تضاد آنها با مناسبات تولیدی موجود، تعیین کننده وظایف اجتماعی - اقتصادی انقلاب است. ترکیب نیروهای محرکه و رهبری کننده انقلاب تنها با تحلیل مشخص سطح‌تشکل سیاسی طبقات و مستگیری و امکانات انقلابی نیروهای سیاسی موجود تعیین می‌شود. چنین است که گاه وظایف اجتماعی - اقتصادی یک انقلاب بورژوا - دمکراتیک یک کشور معین، تنها با رهبری طبقه کارگرانجام پذیر است.

با توجه به این دو دسته عوامل میتوان انواع زیرین انقلاب اجتماعی را متمایز کرد:

انقلاب بورژوازی

انقلاب اجتماعی است که وظیفه اصلی آن درهم شکستن نظام فئودالی یا بقایای آن، برقراری حاکمیت بورژوازی و ایجاد دولتی بورژوازی است. تضاد میان نیروهای مولد نوین که

ندارد (تا نیمی قرن نوزدهم) اتفاق افتاده اند، و یا در صورتیکه پس از این دوره رخ داده باشند، طبقه کارگر در آنها نقش رهبری کننده نداشته است.

لنین به پیروی از مارکس و انگلس واژه انقلاب "خلقی" یا انقلاب "بورژوا-دمکراتیک" را برای انقلابهایی بکار می برد که در آنها "ترده مردم، اکثریت مردم، فرودست ترین گروههای اجتماعی که پشتشان زیر پارستم و استثمار دوتا شده است، مستقلا بپا می خیزند و مهر خواستهای خود، کوششهای خود برای ساختمان جامعه نوین بجای جامعه کهن که درحال نابودی است را، بشیوه خودشان، بر سر اسرجریان انقلاب فرمی گیرند" (همانجا ج ۳ ص ۲۹ یا منتخبات یکجلدی به فارسی - ص ۵۴).

چگونگی شرکت توده ها، ژرفا و دامنه انقلاب بورژوا - دمکراتیک را تعیین می کند. در انقلابهای بورژوا - دمکراتیک نخستین آنگاه که لایه های فرودست بورژوازی نوخاسته و وحشتناک شهرها و روستاها ابتکار عمل را بدست می گرفتند، انقلاب به بزرگترین موفقیت ها دست می یافت.

در انقلاب بورژوا - دمکراتیک پیروزمند، نهادهای استبدادی قرون وسطایی نابود و حیات سیاسی و اجتماعی به درجات مختلف دمکراتیزه می گردد. با تقسیم زمین میان دهقانان، گاههای اساسی در راه حل مسئله ارضی برداشته میشود. انقلاب کبیرفرانسه (اواخر قرن هیجدهم) بویژه در مرحله ژاکوبینی خویش، از این نظر نمونه و آراست. انقلاب های بورژوا - دمکراتیک نیمه قرن نوزدهم اروپا بخاطر خیانت بورژوازی که از نخستین اقدامهای مستقل پرولتاریای نوخاسته به هراس افتاده و از انقلاب رویگردان شده بود، و تزلزل و تردید دهقانان، به شکست انجامیدند. جنگ داخلی میان ایالات شمالی و جنوبی در ایالات متحده آمریکا (نیمه قرن نوزدهم) نیز نمونه ای از این طراز انقلاب اجتماعی بود.

دست می دهد. در دوران امپریالیسم، بورژوازی در کشورهای سرمایه داری کم و بیش پیشرفته، بخاطر ترس از پرولتاریا که حاکمیت آنرا تهدید می کند، ضد انقلابی میشود. اما با وجود آنکه دیگر نیروی محرکه انقلاب نیست، به مبارزه برای کسب سرکردگی ادامه می دهد، تا انقلاب را به راستای اصلاحات بکشاند (نگاه کنید به دانشنامه بزرگ اتحاد شوروی - جلد ۴ - ص ۴۴).

در ارزیابی نتایج و اهمیت تاریخی انقلاب بورژوازی، می بایست به نتایج غیر مستقیم و مستقیم آن توجه کرد. دستاوردهای اجتماعی و اقتصادی انقلاب بورژوازی با ثبات تر از دستاوردهای سیاسی آن هستند. بدینال انقلاب نیمه قرن ۱۷ انگلستان، سلطنت واژگون شده اعاده شد، اما نظام سرمایه داری که در جریان انقلاب تثبیت شده بود پیروز گردید.

مسکن است وظایف انقلاب بورژوازی طی دوره های متوالی پرمدهای انقلابی بورژوازی انجام شود. لنین "تکمیل" انقلاب بورژوازی به معنای وسیع کلمه را "خاتمه یافتن دوره انقلاب های بورژوازی" (کلیات - جلد ۱ - ص ۱۶۷)، به معنای تبلور کامل تکامل سرمایه داری جامعه می دانست.

منگامی که انقلاب بورژوازی بطور کامل یا نسبی شکست می خورد، وظایفی که بطور عینی در دستور تاریخ قرار دارند، با کندی و آهستگی و بشیوه ای که برای توده های مردم بسیار دردناک است انجام می گیرند، بقایای قرون وسطایی محفوظ می مانند و بویژه این بقایا به نظام سرمایه داری صفات ارتجاعی می بخشند.

انقلاب بورژوا - دمکراتیک طراز کهن

شکل قاطع و بیگیر انقلاب بورژوازی است. این انقلابها را از آن روطراز کهن می نامیم که یا در دورانی که طبقه کارگر هنوز به عنوان یک نیروی مستقل سیاسی در صحنه مبارزه حضور

انقلاب بورژوا - دمکراتیک طراز نوین

انقلاب بورژوا - دمکراتیکی است که در آن طبقه کارگر نقش رهبری کننده ایفا می کند. این امر تضمین کننده پیگیری و گسترش دامنه و ژرفای انقلاب است. پیروزی انقلاب بورژوا - دمکراتیک طراز نوین به تشکیل جمهوری دمکراتیک انقلابی می انجامد. حزب طبقه کارگر به تناسب نقش رهبری کننده خویش همراه نمایندگان دهقانان و خرده بورژوازی شهری و سایر اقشار خلقی در حاکمیت انقلابی شرکت دارد.

انقلاب وظایف بورژوا - دمکراتیک را بشکل پیگیر انجام می دهد. در دوران امپریالیسم لازم این امر یورش به مواضع انحصارات و ملی کردن موسسات مالی و صنعتی و تجارت بزرگ است. در جریان این تحولات زحمتکشان منافع طبقاتی خویش را بیش از پیش می شناسند و در سازمانهای طبقاتی و سیاسی متشکل می شوند. در انقلاب های بورژوا - دمکراتیک طراز نوین ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ و فوریه ۱۹۱۷ روسیه، خلاقیت انقلابی مردم، شوراهای نمایندگان کارگران و دهقانان را بوجود آورد.

مجموعه این تحولات شرایط عینی و ذهنی را برای گذار انقلابی به سوسیالیسم و تکوین انقلاب سوسیالیستی ضعیف می بخشد. از این رو لنین جمهوری دمکراتیک انقلابی را چنین توصیف می کرد:

"این، هنوز سوسیالیسم نیست، اما دیگر سرمایه داری هم نیست. گام عظیمی بسوی سوسیالیسم است" (همانجا - ج ۴ - ص ۱۳۱) سیا منتخبات فارسی ص ۵۰۳.

انقلاب اسپانیا (۱۹۳۶-۳۹) نمونه دیگری از انقلابهای دمکراتیک طراز نوین بود.

انقلاب دمکراتیک خلق

شکلی از انقلاب بورژوا - دمکراتیک طراز نوین است که در آن نقش رهبری کننده طبقه

کارگر در انقلاب آنچنان بارز است که حزب طبقه کارگر در حاکمیت انقلابی نیز نقش رهبری کننده قاطع دارد. انقلابهایی که در دوره پس از جنگ جهانی دوم، بدنبال شکست فاشیسم از ارتش اتحاد شوروی در کشورهای اروپای خاوری رخ دادند و پیش در آمد دگرگونی های سوسیالیستی در این کشورها شدند، از این طراز بودند.

پایه اجتماعی انقلاب دمکراتیک خلق، جبهه گسترده ای از پرولتاریا، دهقانان، خرده بورژوازی و اقشاری از بورژوازی متوسط است. این جبهه بر پایه اتحاد پرولتاریا و دهقانان استوار است و بسپه پرولتاریا که در حزب مارکسیست - لنینیست خویش متشکل شده است رهبری میشود.

قدرت دولتی که در نتیجه انقلاب دمکراتیک خلق بوجود می آید - دیکتاتوری دمکراتیک طبقات انقلابی به رهبری پرولتاریا - با دیکتاتوری پرولتاریا تفاوت دارد. سرگردگی پرولتاریا در جبهه خلق، چنین دیکتاتوری پرولتاریا را در بر دارد، و از این رو دیکتاتوری دمکراتیک خلق به رهبری پرولتاریا شکلی از اشکال دیکتاتوری پرولتاریا محسوب میشود. اما برای تبدیل دیکتاتوری انقلابی دمکراتیک به دیکتاتوری پرولتاریا، پاکسازی حکومت از عناصر استمارگر که با دگرگونی های دمکراتیک بیشتر و گذار به سوسیالیسم مخالفتند، و بازسازی حکومت برای انجام وظایف سوسیالیستی لازم است (نگاه کنید به دانشنامه بزرگ اتحاد شوروی - جلد ۱۷ - ص ۶۱).

اگر چه انقلاب دمکراتیک خلق از بسیاری جهات با انقلاب سوسیالیستی شباهت نزدیک دارد و در واقع مرحله نهایی و بلاواسطه در طیف فرارویی انقلاب دمکراتیک به انقلاب سوسیالیستی است، اما نه تنها از نظر ترکیب نیروهای محرکه آن، بلکه از نظر اهداف مبارزه این نیروها و خصلت اتحاد آنها نیز از انقلاب سوسیالیستی متمایز میشود.

هدف انقلاب دمکراتیک خلق، ایجاد نظام

دمکراتیک نوینی است که شرایط مناسب برای گذار انقلابی به سوسیالیسم را نفع می بخشد. این نظام یک صورتبندی اجتماعی - اقتصادی ویژه نیست، بلکه نظامی انتقالی است که با خصلت تضادهای عینی که می بایست حل شوند مطابقت دارد. خصلت ضد فئودالی، ضد انحصاری انقلاب، دوگانگی و تضاد آمیزی نتایج آنرا از پیش تعیین می کند. از یک سو دگرگونی های ضد فئودالی در روستا، نظامی خرده بورژوازی و نه سوسیالیستی بوجود می آورد، و از سوی دیگر دگرگونی های ضد انحصاری و ملی کردن اقتصاد و تجارت به پیدایش مالکیت دولتی می انجامد که پریایه آن مناسبات تولیدی طراز سوسیالیستی شکل می گیرد (همانجا - ص ۶۱).

انقلاب دمکراتیک خلق مرحله بلاواسطه ای در گذار به دگرگونی های سوسیالیستی است. این انقلاب وظایف بورژوا - دمکراتیک را بطور کامل انجام می دهد، و در همان حال ساختار طراز سوسیالیستی و دولت خلقی نوینی را که بوسیله پرولتاریا رهبری میشود بوجود می آورد. همه اینها وظایف اشکال تکامل انقلاب سوسیالیستی که بلافاصله از پی انقلاب دمکراتیک خلق می آید را تغییر می دهد و شرایط مسالمت آمیزی برای گذار به سوسیالیسم فراهم می آورد.

در کشورهای اروپای خاوری که در جریان جنگ دوم جهانی به اشغال امپریالیسم آلمان درآمده بودند، انقلاب دمکراتیک خلق، خصلت رهایی بخش ملی از قید سلطه انحصارات آلمانی را نیز داشت. در این کشورها پایه اجتماعی انقلاب، جبهه متحد و گسترده خلق بود که برای نمونه در چکسلواکی جبهه ملی و در رومانی جبهه دمکراتیک ملی نامیده می شد. این جبهه پرولتاریا، دهقانان، خرده بورژوازی و برخی از

در کشورهای اروپای خاوری که در جریان جنگ دوم جهانی به اشغال امپریالیسم آلمان درآمده بودند، انقلاب دمکراتیک خلق، خصلت رهایی بخش ملی از قید سلطه انحصارات آلمانی را نیز داشت. در این کشورها پایه اجتماعی انقلاب، جبهه متحد و گسترده خلق بود که برای نمونه در چکسلواکی جبهه ملی و در رومانی جبهه دمکراتیک ملی نامیده می شد. این جبهه پرولتاریا، دهقانان، خرده بورژوازی و برخی از



خجسته باد چهل و دومین سالگرد بنیانگذاری سازمان جوانان توده ایران

توده ای های جوان متشکل در سازمان به مقابله منادیان اندیشه سوسیالیسم علمی و به کمک حزب، آن چنان انقلاب فکری در سطح جامعه ایجاد کردند که جامعه فرتوت و عقب افتاده دوره سلطه رضاخانی، به جامعه ای پر جنب و جوش در همه عرصه ها تبدیل شد.

پس از توطئه ۱۵ بهمن ماه ۱۳۲۷ که حزب توده ایران و سازمان جوانان توده غیر قانونی شدند، سازمان توانست ارکان مخفی خود را بنام "حقیقت پیروز خواهد شد" به صورت پللی کبی انتشار دهد. یکسال پس از توطئه مذکور روزنامه "رزم" ارکان سازمان جوانان به شکل مخفی منتشر شد. در سالهای ۲۸ - ۱۳۳۲ سازمان جوانان توده توانست دوباره جنبش های اعتصابی جوانان را در مدارس، دانشگاهها و کارخانه ها رهبری کند.

با اعتلای جنبش ضد امپریالیستی مردم میهن ما علیه شرکت غاصب نفت جنوب، سازمان جوانان توده ایران، تحت رهبری حزب توده ایران در حرکت و بسیج مبارزه علیه امپریالیسم انگلستان نقش عمده و ارزنده ای ایفا نمود. روز نامه "خورشید صلح برای دانشجویان" در سرمقاله مورخ چهارم بهمن ۱۳۲۹ خود نوشت: "... توفیق دانشجویان، تعرض به مصونیت و احترام دانشگاه است."

نمایش عظیم و بیسابقه بیش از ۶۰۰ دانشجو و دانش آموز در آن سالها علیه شرکت غاصب نفت جنوب پدیده ای نبود که بتواند نادیده گرفته شود.

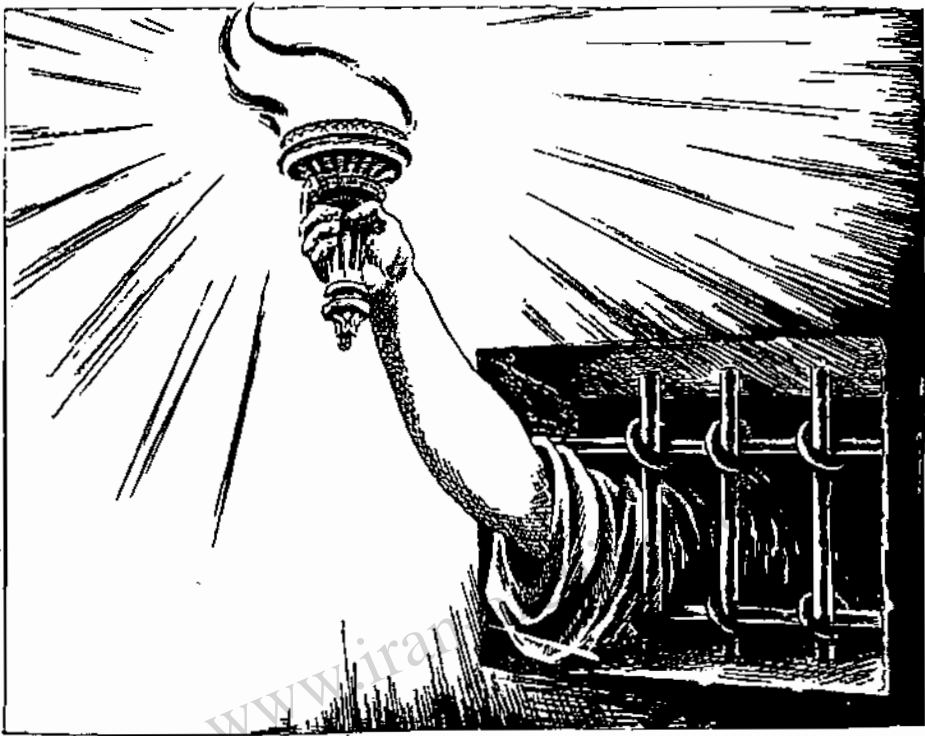
با فرا رسیدن فروردین ماه ۱۳۲۹ چهل و دو سال از پایه گذاری سازمان جوانان توده ایران گذشت.

چهل و دو سال نبرد ایثار گرانه در راه تحقق آرمانهای والای حزب توده ایران در جهت آگاه سازی جوانان از حقوق صنفی و سیاسی و مبارزه در جهت بدست آوردن این حقوق که تسامی نمودار برگ های زرین تاریخ سازمان جوانان توده ایران به عنوان پیشاهنگ جوانان ایران است. بوجه آمدن سازمان جوانان توده ایران امر ناگهانی و تصادفی نبود، بلکه با توجه به پیوستن شیخ عظیم جوانان به حزب، ضرورت اجتناب ناپذیر زمان خود گشته بود.

رهبری حزب بر مبنای توصیه لنین بزرگ که می گوید: "ما حزب آینده ایم آینده به نسل جوان تعلق دارد که با اشتیاق بسیار از شوآوران پیروی می کنند" در فروردین سال ۱۳۳۲ سازمان جوانان توده ایران را بنیاد نهاد.

سازمان با پیروی از خط مشی و رهنمودهای حزب توده ایران به سازمان وسیع جوانان توده ایران مبدل گردید و در تحول فکری جوانان نقش ارزنده ای ایفا نمود.

سازمان در سالهای فعالیت علنی یعنی ۲۷ - ۱۳۳۲ در مبارزه ضد فاشیستی و ضد امپریالیستی خلقهای ایران علیه آلمان هیتلری و امپریالیست های انگلیس و آمریکا نقش اساسی داشته و در جنبش رویه رشد صلح در سالهای پس از پایان جنگ جهانی دوم نقش مهم و ارزنده ای ایفا کرده است.



خلق و زحمتکشان

۴- تلاش در جهت ارتقاء سطح آگاهی علمی دانشجویان و اعتلای سطح علمی و فرهنگی دانشگاههای ایران.

تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران که در اردیبهشت ۱۳۲۹ نمایندگان دانشکده های مختلف طی میتینگ با شکوهی تشکیل آنرا اعلام کردند از دستاوردهای بزرگ فعالیت سازمان جوانان توده ایران بود.

این سازمان پس از تشکیل به عضویت اتحادیه بین المللی دانشجویان پذیرفته شد و بلافاصله به عضویت هیئت اجرایی و بعد به عضویت هیئت دبیران اتحادیه درآمد. نماینده دانشگاه تهران سالها از اعضای کادر رهبری این سازمان بین المللی بود.

توده ای های جوان در سالهای ۱۳۲۹ موفق شدند به کمک دانش آموزان تهران سازمان دانش آموزان تهران و در سال ۱۳۳۰ سازمان دانش آموزان ایران را بوجود آورند و روزنامه "دانش آموز" به صورت ارگان سراسری این سازمان منتشر شد.

چهار اصل زیر در دستور کار فعالیت سازمان قرار داشت:

۱- آشنا کردن دانشجویان به حقوق میهنی و صنفی و کوشش در راستای ایجاد شکل های صنفی دانشجویی

۲- اشاعه اندیشه سوسیالیسم علمی در میان دانشجویان و جلب دانشجویان به حزب طبقه کارگر

۳- پیوند دادن مبارزه دانشجویان با مبارزه

انتشار افکار و اندیشه های انقلابی و مثبت و پیکار چویانه در میان جوانان و نوجوانان، در مبارزه با تاریک اندیشی و خرافه پرستی، با تمام توان و ظرفیت خود کوشید. سازمان جوانان با نیروی عظیمی که از قدرت جوانان انقلابی و آگاه نشأت می گرفت برای پیشبرد اهداف انقلاب نهایت سعی خود را نمود و با شرکت فعال در حفظ نظم در مقابل ضد انقلاب، تشکیل تعاونی های محلی و کمک در رسانیدن خدمات به روستاییان در تمام زمینه ها، مساعدت در توزیع عادلانه ارزاق کمیاب شده در اثر جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی و بالاخره در بیرون راندن دشمن متجاوز از میهن انقلابی نقش برجسته و شایسته ای ایفا نمود.

سازمان جوانان در تصحیح مشی ایدئولوژیک بسیاری از جوانان و آشنا نمودن آنان با مارکسیسم - لنینیسم واقعی پریمی حزب و طیفه انقلابی خود زابہ انجام رساند. آگاهسازی روستاییان به اهداف انقلاب و حقوق خود در زمینه مسائل ارضی و عدالت اجتماعی، پیگیری در جا انداختن حقوق کارگران در مورد قوانین کار و بیمه های اجتماعی و دفاع از حقوق حق خویش قسمت عمده خود را مدیریت کار توده ای و پیگیری جوانان توده ای و فدایی ایران است. طبقه کارگر و دهقانان محروم ایران مرکز فعالیت پرثمر جوانان توده ای و فدایی را از یاد نخواهند برد. از همین رو سازمان نیز چون حزب توده ایران آماج کینه جنون آمیز ارتجاع حاکم بر میهن ما قرار گرفت و بسیاری از فعالیت و کادرمهای سازمان به سیاهچالهای رژیم افتاده و زیر دامنشانه ترین شکنجه های قرون وسطایی قرار گرفتند.

علیرغم همه این پربرمنشی ها بذره های به جوانه نشسته حزب توده ایران در کموت سازمان جوانان توده ایران هزاران جوان توده ای و فدایی را مجهز به سلاح مارکسیسم - لنینیسم در سراسر کشور انقلابی ما نموده که تاریخ کشور

از دست آوردهای دیگر سازمان برقراری مزد مساوی برای کارگران جوان و جلوگیری از بکار گیری جوانان زیر ۱۶ سال و برقراری تحصیلات اجباری برای جوانان در آن سالها بود. حضور فعال دختران جوان در سازمان جوانان توده ایران با توجه به مشکلات بسیاری که سر راه آنان قرار داشت نقش ارزنده ای در اعتلای فکری و دانش سیاسی زنان ایران ایفا نمود که ثمرات آن شرکت روز افزون زنان در صحنه های مختلف کار و زندگی اجتماعی و سیاسی ایران بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و یورش امپریالیسم و ارتجاع به جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مردم میهن ما، سازمان جوانان توده در سازماندهی جنبش اعتراضی علیه کودتای آمریکایی و رژیم حاصل از آن نقش فعالی داشت. شهدای بنام سازمان جوانان توده ایران در سالهای پس از کودتا چون وارطان سالخانیان، جهانگیر باغدانیان و محمود کوچک شوشتری، شریعت رضوی و بزرگ نیا از چهره های تابناک جنبش توده ای محسوب می شوند.

توده عظیم جوانان آگاه ایران سهم شایسته ای در سازماندهی نبرد انقلابی خلقهای ایران که به انقلاب بهمن ۵۷ انجامید داشتند.

در کرمانگرد نبرد نهایی روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه جوانان رژیمده ایران و در راس آنان جوانان توده ای و فدایی تصرف مناطق حساس نظامی و استراتژیک رژیم فرتوت سلطنتی را به عهده داشتند و تا سقوط رژیم و پیروزی انقلاب لحظه ای درنگ نکردند. سازمان جوانان توده ایران که همزمان با حزب فعالیت علنی خود را آغاز نموده بود پس از انقلاب در راستای تربیت و تشکل جوانان، سازماندهی دانش آموزان، دانشجویان، کارگران و روستا زادگان جوان میهن ما برای دفاع از حقوق صنفی و سیاسی خود، مبارزه علیه تعرض حاکمیت به حقوق صنفی و سیاسی جوانان، پیرویه سیاست ضد فرهنگی و فرهنگ برپا داده وزارت آموزش و پرورش، در جهت دفاع از دست آوردهای انقلاب و ژرفش آن بسود محرومان و



همه چیز به انسان است، همه چیز برای انسان است، تنها انسان است و باقی چیزها کار دست و مغز اوست! (ماکسیم گورکی)

به یاد ماکسیم گورکی - آموزگار فرزانه بشریت شرقی

تجربه آموزی "در اعماق اجتماع" که خود آنجا را "دانشکده های من" می نامید، واقعیات سهمگین و دردها تک زندگی زحمتکشان روسیه سرمایه داری را با گوشت و استخوان تجربه کرد و بعدها در آثار پربار خویش روایتگر زندگی سراسر رنج و تلاش آنان شد.

پشکف جوان، بدنبال آشنایی با جوانان انقلابی نیژنی نووگراد و غازان به مطالعه پیکیر و از جمله به مطالعه کتابهای سیاسی روی آورد. بزودی در چهره ستم طبقاتی، علت ریشه ای مصایب اجتماعی را باز شناخت و به مبارزه در راه پر اندازی آن کمر بست و قلم بدست گرفت. حتی نام ادبی که برای خود برگزید - گورکی در روسی "تلخ" معنا می دهد و کنایه از تلخناکی زندگی زحمتکشان آن زمان روسیه است - بیانگر هدفندی فعالیت ادبی اوست.

در آستانه انقلاب ۱۹۰۵، گورکی "سرود شاهین" و "سرود مرغ طرفان" را نگاشت و خود فعالانه در انقلاب شرکت کرد. با سرکوب انقلاب، بدستور حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه که عضو آن بود به خارج مهاجرت کرد و بزودی رمان جاودانی "مادر" را نگاشت. با نگارش این کتاب دوره نخستین رئالیسم انتقادی در فعالیت ادبی گورکی پایان می رسد و دوره رئالیسم سوسیالیستی آغاز می شود. رمان "مادر" که تاکنون به ده ها زبان - و از جمله دوباره به فارسی

همه چیز به انسان است، همه چیز برای انسان است، تنها انسان است و باقی چیزها کار دست و مغز اوست! (ماکسیم گورکی)

۸ فروردین مصادف با صد و هفدهمین سالگرد تولد ماکسیم گورکی نویسنده بزرگ روس است. نام گورکی برای انقلابیون و ترقیخواهان مین ما نامی آشناست. اغلب آثار او به فارسی ترجمه شده است. چندین نسل از آزادیخواهان ایرانی با مطالعه این آثار، نگرش انساندوستانه، عدالتخواهانه و انقلابی به عرصه های گوناگون زندگی اجتماعی و احترام به کار و دانش را از گورکی آموخته اند. طی چند ده سال گذشته گورکی همواره یکی از برجسته ترین آموزگاران جوانان ایران بوده است.

"آلکسی ماکسیموویچ پشکف" که با نام ماکسیم گورکی شهرت جهانی یافت، در ۲۹ مارس ۱۸۶۸ میلادی در شهر "نیژنی نووگراد" که امروز "گورکی" نامیده می شود متولد شد. بزودی با از دست دادن پدر به خانه پدر بزرگش رفت و در این خانه محقر و پیر سر و صداء افسانه ها و اشعار مادر بزرگ درهای دنیایی پر راز را بر وی کشود. در ۹ سالگی به مدرسه رفت، اما همان سال بعلت فقر از ادامه تحصیل محروم شد. به ارتش پی چیزان و زحمتکشان پیوست و "در جستجوی نان" به هر کاری دست زد؛ شاگرد کفاشی، کارگری در اسکله و آشپز خانه کشتی، نانوائی و باغبانی و خوانندگی در گروه آواز. طی این سالهای رنج و

های مخفی انقلابی به چاپ می رسید و در میان انقلابیون و آزادیخواهان دست بدست می گشت. رمان "مادر" که نخستین بار از سوی حزب توده ایران ترجمه و انتشار یافت در صدر این آثار قرار داشت. گورکی در کنار و پیشاپیش نویسندگان برجسته دیگری چون رومن رولان و میخائیل شولوخوف به پرورش چندین نسل از انسانهای طراز نوین در جامعه ما کمک موثر کرده است.

از سوی دیگر آثار او منبع الهام نمایش نویسی و داستان نویسی رئالیستی - انتقادی و سوسیالیستی - در ایران نیز بوده است. بسیاری از نویسندگان برجسته ایرانی که در خلاقیت هنری خویش از تجارب ادبی و شیوه کار او بهره مند شده اند. از این راه جان گورکی در کالبد فرهنگ ملی و دمکراتیک مردم مادامیده شده است.

آغاز سالهای سیاه استبداد مذهبی در میهن ما، سرفصل نوینی برای اقبال عمومی نسل جوان به مطالعه بیش از پیش آثار گورکی است. فرزانه پیر یار دیگر با گامهای بلند بی صدا کوچک به کوچک، شهر به شهر و روستا به روستای میهن ما را در می نوردد تا آیین ستایش حقیقت و زحمت و احترام به انسان را از نوبازگوید:

"همه چیز به انسان است. همه چیز برای انسان است. تنها انسان است و باقی چیزها کار دست و مغز او است. انسانا چه باشکوه است! چه ظنین پرغروری دارد. باید به انسان احترام گذاشت" (در اعماق... ۱۹۰۲)

در برابر شیوه خرافات مذهب کونه ای که یاسداوان چهل و سمرایه هر روز بر سر مردم ما آوار می کنند، الناس اندیشه های گورکی سلاح کارآییست. در سالروز تولد او، مطالعه و بازخوانی آثارش را به همه جویندگان حقیقت و پروردگان راه رهایی توصیه می کنیم.

- ترجمه و ویرایش ما میلیون نسخه چاپ شده است، نخستین نسخه برجسته ادبیات پرولتری و رئالیسم سوسیالیستی است. در این رمان و در آثار بعدی گورکی زندگی و مبارزات کارگران، به مثابه طبقه ای که رسالت رهایی نهایی انسان از بند چهل و استثمار را بردوش دارد، در راه سرنگونی نکتبت سرمایه داری و ساختمان جامعه نوین با سراحت درخشنده ای به نمایش در می آید.

گورکی در کنار برجسته ترین انقلابیون روسیه از جمله لنین که با او پیوندهای دوستانه نزدیک داشت، به فعالیت سیاسی و خلاقیت ادبی خویش ادامه داد و با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و شرایط تازه ای را نیز بعهده گرفت. با وجودی که از بیماری سل رنج می برد، بطور خستگی ناپذیری در خلق آثار نوین، تربیت نویسندگان جوان و توضیح و تفسیر رئالیسم سوسیالیستی که خود بنیانگذارش بود کوشید. ده ها هزار نویسنده ای که تا به امروز در سراسر جهان به این سبک که وارث و دربرگیرنده محتوا و سنن ادبی پویای همه سبک های پیشین است قلم زده اند، خود را از جمله به این تلاشهای گورکی، که بعدها ژرفا و گسترش همه جانبه ای یافت، مدیون دانسته اند.

ماکسیم گورکی در ژوئن ۱۹۳۶ در بحبوحه پیروزی نهایی سوسیالیسم در اتحاد شوروی در لنیننگراد در گذشت. در حالیکه فروغ ایمان و گرمای آرمان و الایش را در قالب میراث ادبی فناناپذیری برای بشریت مترقی به یادگار گذاشته بود تا ترشه راه و پالایشگر چانهای همه بشر دوستان و پیوندگان راه پهلروزی انسان باشد.

در میهن ما میراث ادبی و سیاسی گورکی تاثیر گسترده و ژرفی بر جای نهاده است. نوشته های او همواره از پر خواننده ترین کتابها بوده اند. او از شمار معدود نویسندگانی است که آثارش در سالهای مبارزه با خفقان ستشاهی در چایخانه



"ما میخواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم"

خیابانی

قیام تبریز

مادرزاد قانون اساسی، همانانی هستند که آنها وضع کرده‌اند، باید اراده ملت بالای همه چیز باشد، در صورت لزوم بتواند شاه را خلع و عزل کند... هر هیئت دولتی را که نپسندید سرنگون سازد، بر همه چیز حاکم باشد، دست آهنین ملت است که بعد از این در بالای سر دولت خواهد بود!"

خیابانی که از اندیشه‌های آزادیبخش انقلاب کبیر اکتبر بهره شایان گرفته بود، همواره باستایش از بلشویکها و رهبر آنها لنین یاد می‌کرد. او در نطق چهاردهم تیرماه ۱۳۹۹ خود از دشواری‌های قیام و لزوم استقامت، پیگیری و فداکاری در راه ترقی و تکامل انقلاب سخن می‌گوید و مبارزات تاریخی خلق‌های روسیه را مثال می‌زند "در روسیه، در راه آزادی میلیونها مردم تن به مرگ دادند، از سر خود گذشتند، جوانان و دخترانشان را در این راه فدا کردند، کشته شدند، بالاخره ملت روس متحداً بر ضد استبداد قیام نمود. پس از انقلاب خونین آزادی را به چنگ آورد و برای همیشه فاتح شد". خیابانی از تاثیر شگرف انقلاب کبیر اکتبر بر مردم میهن ما واقف بود با تجلیل از آن یاری کرد.

"ایرانیان هم، به مناسبت مجاورت با روسیه آزاد شده، نمی‌توانستند از انقلاب یک همچو مملکت بزرگ همسایه متاثر نشوند. کم کم قلوب

صفت و پنج سال از قیام تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی گذشت. مرکز رهبری قیام "هیئت مدیره اجتماعات" در نوزدهم حمل (فروردین) ۱۳۹۹ تصیم نهایی و اراده استوار مردم آذربایجان را برای "برقرار داشتن آسایش عمومی، از قوه به فعل در آوردن رژیم مشروطیت" اعلام داشت. شیخ محمد خیابانی مغز اندیشمند، مرد روشنگر و راهبر این قیام بود. خیابانی جوان در صدر مشروطیت تفنگ بدست در صفوف مجاهدین تبریز پرهبری ستارخان در راه آرمانهای انقلابی مردم ایران رزمیده بود. او نماینده بی پاک مردم تبریز در مجلس دوم، سخنوری آتشین زبان و پیامبرزات انقلابی خلق‌های روسیه تزاری از نزدیک آشنا بود. بر اوضاع اجتماعی و سیاسی دوران خود آگاهی داشت و میهن دوستی از جان گذشته و دمکراتی واقعی بود. خیابانی می‌گفت "ما می‌خواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم. هر زمان تقاضایی دارد..." او در مبارزات خود اندیشه آزادی و استقلال و تمامیت ایران را در سر داشت. "ما از شهر تبریز شروع کردیم، بتدریج تمامیت ایران را ناظر آزادی خواهیم ساخت". خیابانی معتقد بود که "امر محافظت و صیانت حقوق ملی و قوانین اساسی را نمی‌توان به یک پادشاه و ولیعهد مستبد سپرد. نگهبانان واقعی و پاسبانان

نوروز، روز امیدورزم، روز بیداری!

نوروز، نود ما ایرانیان بیانگر دوام و بقای روح ملی، نشان یادگار نیاکان و توانی گسست ناپذیر تاریخ ما است از کرانه زمان تا باهروز. گردش ایام، دگرگونی اوضاع و احوال، تغییر حاکمان و حکومت ها، ایلقارها و هجومهای خون آلود، فراز و فرودهای برخاسته از عوامل طبیعی یا اجتماعی، پیدایی، زوال یا رشد ادیان گوناگون و غیره و غیره نتواسته است در بستر زمان بی بازگشت بویژه در سیما، سیرت و سلوک نوروز تغییری ایجاد نماید. در میان بسیاری از سنن، آداب و عاداتها که رنگ و بوی ملی و سرزمین خاص ایران و ایرانیان را دارد نوروز جشن یگانه ای است که در عین حال کهن ترین، بزرگ ترین و توده ای ترین جشن در میان اعیان ما است که بویژه در هنگامی هم آوایی با نورایی و زایش دوباره طبیعت در سرزمین ما تلاش، جنبش و امید به آینده را در دلهای آرزومنده ما زمی نماید. چهارشنبه سوری خانه تکانی، رقت و روپ، یاکي و پاکیزگی، آراستگی، جامه های نو، بوی خوش، سفره رنگین، سبزی سرسبز، ماهی قرمز، آینه و آب... هفت سین همراه با دیوان پر رمز و راز و مشکل گشای حافظ نشان شادی بزرگی است که فقط به کنج خانه این و آن بسنده نمی کند، این جشنی است پر جلال و برکت خیز که با دست مایه کم یا بیش مردمی پر طاقت در گستره و پهنای تمامی ایران، تمامی کوجه ها و خانه ها پا می کشد، بیج سازنده ای است که با ترمز یگانه "صدسال به از این سالها" دلها همه را روشن می گرداند، بوسه پرمهری است که به نقارها و کدورتها پایان می بخشد، تسلی بخش دلها می گردد، شادی را همگانی می سازد و دردم نویی خود با طبیعت بلند گل، ژندگی را پر مایه می گرداند. بدین معنی نوروز جشن مردمی ما در قدمت تاریخی خود پهلوی به قرون و اعصار می ژندد و تا طبیعت زندگی ساز در شکوه عصبانی خود باقی است نوروز مردمی نیز نوید بخش و نیرو ده، بشارت سبیده و پرستو باغ، جاودان خواهد ماند.

مردم ما از فردای پیروزی انقلاب پرشکوهی که به یمن ایشان و پایمردی های بسیار به عمر پادشاهی بیداد و استبدادی خون آلود پایان داد برگزار می نوروز خود را که با شادی و فرور پیروزی، مضرب و مفهوم پرامیدی را به همراه داشت علیه رژیم مخالفت، ممانعت، قشریگری، عداوت و خصومتی که ریشه در بی مایگی، بی خردی و ستیزی با طبیعت جاوید دارد بنا به سنت و به آیینی درخوره به پیوند، یاری، همدلی و دلیری پر ظنین خود همراه نموده و در غوغای کوجه ها، شادی نوروزی را با هلهله شکستن سرما و امید پیروزی های بیشتر آمیختند بدینسان از همان اولین سال پیروزی انقلاب مقاومت خجسته ای تکوین یافت که هم اکنون به پرچم افراخته علیه نظامی بی روح، بی فرهنگ، خودکامه و بیگانه با آمال و آرزوی مردم ما تبدیل گشته است. آتش افروزی چهارشنبه سوری در ازدحام کوجه ها، برگزاری آیین نوپوزی

پشیمانی سنتی در همه اجزاء خود، هجوم پرفوغا به طبیعت پرخوارت در روز سیزده بدر مدتهاست که مفهومی جز مخالفت آشکار و همگانیا نظام حاکم در ایران ندارد. شهیدات و تهدیدات سران و ایادی رژیم به عزم راسخ مردم ما در تبدیل نوروژ به سبیل مخالفت همگانی با رژیم موجود افزوده است. خیانت سرنوشتی جز این نداشته است و چه پر معنی است همزمانی این تظاهر آشکار با رستاخیز طبیعت در سرزمین ما!

امسال همچون سالی چند که پرمیهن بلا کشیده ما گذشته است مردم مانوروژ را در اسارت و بیداده، آتش و خون که ارمغان خیانت، برکشت نایلیر ارتجاع سیاه دل در تاریخ کشور ما است برپا داشتند، اگر چه قصد "صدور انقلاب" انتقام کشی و کینه جویی حیوانی رژیم در آستانه نوروژی جوانان بسیاری را ناکام ساخت و به ویرانی شهرها و روستاها میدان بازم بیشتر داد، اگر چه درهای زندانها پر روی عزیزان ما ناگشوده ماند و داغ لاله ها، سرفه آمیخته به اشک و اندوه پدران و مادران، خواهران و نوهوسان بسیاری را رنگین ساخت اما روح صیانی و عزم پرنسج و تپش زندانیان سرفراز، شور و شوق مقاومت مردم آزاده، در طرد و نفی رژیم نکبت و سیه روزی، شعله های امید پیروزی در سال جدید هستند؛ جنبش و مقاومت در درون کارخانه ها و کارگاهها، اعتصاب و مقابله رویاروی زحمتکشان، مخالفت با جنگ و مقاومت در قبال کسپل جوانان به جبهه های جنگ، تبدیل هر اجتماع کوچک یا بزرگ به تظاهر گسترده در برابر رژیم و از آن میان تظاهرات گسترده در میداين ورزشی و مقاومت خانواده های زندانیان در سالی که گذشت چشم اندازهای امید و آرزو در سال نو هستند. نوروژ مظهر پیروزی عدالت و جشن باستانی رابه همه مردم ایران که آرزومند رستاخیز اجتماعی و روشهای پیروزی هستند از صمیم قلب تبریک می گوئیم امیدوار و آرزومندیم در سال نو به یمن مبارزات بیگیر ملت ایران چشم انداز پیروزی مردم روشن تر و زبرد در راه رهایی ملی و میهنی ما پر بار و پرطنین گردد.

ای دوست قسم به حق که زیبا است
آینده زما است بی کم و کاست
آن عید که دیده ای نگرید
فردا گذرش به کوچه ما است

بقیه خجسته باد ۴۲ مین ...

برجسته ترین آنها کسانی چون دریادار افضلی و بیژن جزینی و... را نام برد.
سازمان جوانان توده ایران سربلند در مقابل خلقهای ایران و تاریخ مبارزاتی ملت ایران پراه پر ره رو خود ادامه خواهد داد.

بلاکشیده ما را رقم خواهند زد، چه بسیارند کسانی که زندگی پر بار انقلابی خود را با عضویت و یا هواداری سازمان جوانان توده ایران آغاز کردند و به قهرمانان بی نام و نامدار تاریخ مبارزات ملت ما مبدل شدند که میتوان از

جنگ و صلح در شعر پارسی

جهانخواران گنجهبر بجنک بر
سلطنتند و رنج و ایتالی او
دغول جنگ و جنگبار گی بتر
سرشت جنگبار و بقیای او

کجاست روزگار صلح و ایمنی
شکفته مرد و باغ دلکشای او
کجاست عهد راستی و مردمی
فروغ عشق و تابش ضیای او
کجاست دور بیماری و برابری
حیات جاودانی و صفای او
فناي جنگ خوامم از خدا که شد
بقای خلق بسته در فناي او
زهی کبوتر سپید آشتی
که دل برد سرود جانغز ای او
و سید وقت آنکه جغد جنگ را
جدا کنند سر به پیش پای او

بهار طبع من شکفته شد ، چومن
مدیح صلح گفتم و شنای او
"بهار"

جنگ در اول بود بسان عروسی
دلبر و دلجوی و دلقریب و دلارا
هر که رخس دید گشت واله دیدار
هر که قدش دید گشت محو تماشا
لیک در آخر چو گشت تفته تنور
و آتش کین زد همی زبانه به بالا
گر کی بینی، درشت بینی و بد شکل
خوکی دندان شکسته، رالی شطا
تاراج آورد روان مرد دلاور
یغما سار دتن مجاهد برضا

"ادیب الملك فرغانی"

همه نیوشه دانا به نیکویی و به صلح است
همه نیوشه نادان ، به جنگ و فتنه و غوغا

"رودکی"

یک حرف صرفیانه بگویم، اجار تست؟
ای نوردیده، صلح به از جنگ و داوری
"حافظ"

اگر پیل زوری هگر شیر جنگ
به نزدیک من صلح بهتر که جنگ
"سعدی"

خاک مستوره قلب بشر آورده برون
پنجه جنگ جهانی، چکر آورده برون
از زمین همزه داغ پسر آورده برون
صلح جویانه ز کوه و کمر آورده برون

"بهار"

لاله خونین کفن از خاک سر آورده برون
نیست این لاله نوخیز که از سیف خاک
دل ماتم زده مادر زاری است، که مرگ
دست خونین زمین است که از بهر دعا

مرگ بر جلادان!

برف، بر دامنه تپه فرومی بارد
دود، از دودکش خانه همسایه بلند است
شامگاهان

می کشد پرده ظلمت بر شهر
مرگ، بر بام "اوین" پهرسه و نان می چرخد.
قرعه بر نام کسی افتاده ست
آفتابی، لب بام است.

برف، بر دامنه تپه فرومی بارد
پشت دیوار "اوین"
می کشد قربانی
واپسین نعره دشمن کوبش:
"مرگ بر جلادان!
رنده باد آرد ای!"

لاله بر برف فرامی روید
آفتابی،
می ببرد از لب بام
دود آبی است، که از خانه همسایه بلند است!

کنفرانس لیبرشن در بریتانیا:

همبستگی با مردم ایران

"کنفرانس معتقد است که رژیم خمینی به اعتراف خود و نماینده اش در سازمان ملل هیچگونه احترام و اعتقادی برای حقوق بشر قایل نیست...

هزاران دمکرات ایرانی، فعالین کارگری، فعالین جنبش زنان، دانشجویان و معلمین مترقی ایرانی و بلاخره هواداران و فعالین گروههای مترقی ایران چون حزب توده ایران، فداییان، مجاهدین خلق، حزب دمکرات کردستان و سایر نیروهای مترقی به شدیدترین شکلی مورد پیگرد، شکنجه و اعدام قرار می گیرند. از آخرین نمونه های این جنایات وحشیانه می بایستی از یورش و اعدام کارگران اعتصابی ذوب آهن اصفهان، محاکمات فرمایشی علیه اعضای رهبری حزب توده ایران و یورش های جدید به سازمان مجاهدین خلق ایران، و سازمان فداییان خلق ایران نام برد.

کنفرانس سرکوبی و پایمال نمودن حقوق زنان و خلقهای تحت ستم ایران خصوصا خلق کرد را شدیداً محکوم می نماید.

کنفرانس شدیدترین اعتراض خود را علیه رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی بلند نموده و از مبارزات خلقهای ایرانی در راه دستیابی به آزادی و حقوق دمکراتیک پشتیبانی می نماید.

لیبریشن تعهد می نماید که بزودی کنفرانسی در مورد خاور میانه و خصوصاً در مورد ایران برگزار نماید تا مردم بریتانیا با حقایق در رابطه با ایران آشنا گردند."

به رسم هر ساله جنبش مبارزه علیه استعمار (لیبرشن) کنفرانس سالیانه خود را در نهم ماه مارس ۱۹۸۵ برگزار نمود. این کنفرانس با شرکت نمایندگان اتحادیه های کارگری، اعضای پارلمان بریتانیا، و نمایندگان سازمانهای مترقی در بریتانیا و از جمله ادیسی، جوانان فدایی (اکثریت) انجمن دانشجویان مسلمان (هواداران مجاهدین خلق) هواداران سازمان فداییان خلق به ریاست آقای استن نیوییز نماینده پارلمان در لندن افتتاح شد.

در این کنفرانس دو قطعنامه در مورد ایران، یکی توسط سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران و جوانان فدایی (اکثریت) و دیگری توسط هواداران سازمان فداییان خلق ارائه شد. به پیشنهاد مسئولین کنفرانس و مذاکرات نمایندگان این سازمانها قطعنامه مشترکی تهیه و به کنفرانس پیشنهاد شد که با اکثریت آرا بدون رای مخالف و ممتنع به تصویب رسید.

نماینده سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) در بریتانیا درسخرانی خود برای مطرح کردن قطعنامه از وحدت عملی که در این زمینه ایجاد گردیده استقبال نمود و از سایر نیروهای مترقی حاضر در جلسه خواست که دست در دست علیه جنگ، برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی و صلح در ایران مبارزه نمایند. وی همچنان درسخران خود به شرح خیانت رژیم علیه نیروهای مترقی پرداخت.

در قطعنامه تصویبی از جمله آمده است:

جنگ روانی و فعالیت‌های تبلیغاتی امپریالیسم خبری

بوسیله "سیا" ۸۰۰ نشریه مختلف تخریبی در جهان انتشار می‌یابد."

رفیق ببرک کارمل همچنین افزود:

"نابرابری اطلاعات بین المللی بدون پایان دادن به وابستگی اطلاعاتی و مقابله با انحصار اطلاعاتی کشورهای امپریالیستی میسر نیست. این چیزی است که تجربه کشور ما نیز بر آن صحنه می‌گذارد؛ ایجاد تغییرات بنیادی در مناسبات اطلاعاتی بین المللی، با همکاری خبرنگاران آسیا و آفریقا و تعیین همکاری با کشورهای سوسیالیستی و مترقی میسر است. بگذار صدای حقیقت تمام سیاره ما را فرا بگیرد."

با توجه به سخنان رفیق ببرک کارمل، منیاب نمونه لازم به یادآوری است، علاوه بر تبلیغات وسیع کشورهای امپریالیستی و سازمانهای جاسوسی علیه افغانستان انقلابی، در حال حاضر ۸ ایستگاه رادیویی در پاکستان رسماً علیه افغانستان انقلابی فعالیت می‌کنند. مرکز "رادیو کابل آزاد" که توسط آمریکا ایجاد شده در پاکستان است. ۱۱ گیرنده ثابت در اختیار این رادیو قرار دارد که تمام برنامه های صدای آمریکا و سایر ایستگاههای امپریالیستی را رله می‌کنند. همچنین در این کشور همه روزه نشریات متعددی به زبانهای فارسی، پشتو، اردو، عربی، و انگلیسی علیه افغانستان انقلابی منتشر می‌شود. سازماندهی انتشار این نشریات عموماً با "سیا"، سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا است.

رفیق ببرک کارمل، در سخنرانی افتتاحیه "آیسو" (سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا) از جمله گفت:

"امپریالیسم بین المللی به سردمداری امپریالیسم آمریکا یکی از وسایل عمده نیل به اهداف شوم خود را در توسعه جنگ روانی می‌بیند. ماشین تبلیغاتی غرب جنگ سرد را بیش از پیش دامن می‌زند. اکنون همه قاره ما بیش از پیش آماج تجاوز اطلاعاتی-تبلیغاتی امپریالیسم قرار گرفته‌اند و در رسانه های گروهی غرب به وسایل نامریی و غیر مستقیم مداخله در امور داخلی کشورها مبدل گردیده است.

در این زمینه امپریالیسم می‌کوشد تا از عامل عقب ماندگی وسایل اطلاعات جمعی در کشورهای در حال رشد بهره گیرد.

همین حالا تعداد ۲۰ کشور آسیایی و آفریقایی هنوز فاقد ایستگاه تلویزیونی اند. ۹ کشور فاقد روزنامه هستند، ضمناً در ۵۰ کشور برای هر ۱۵ هزار نفر فقط ۱۰ نسخه روزنامه به چاپ می‌رسد.

اما امپریالیسم برای جنگ روانی مبالغ سرسام آوری صرف می‌کند. تنها آمریکا ۲/۵ میلیارد دلار به فعالیت های تبلیغاتی اختصاص داده است. رادیو صدای آمریکا در هفته ۸۲۲ ساعت به ۲۸ زبان برنامه پخش می‌کند. پخش برنامه های رادیو "بی بی سی" به ۲۹ زبان در هفته به ۷۱۰ ساعت می‌رسد. خبرگزاری های آموشیتد پرس، ویونایتدپرس روزانه ۲۱ میلیون خبر می‌دهند.

”بهشت“ سرمایه داری، ”دوزخ“ جوانان

آیا می دانید؟

در ایالات متحده آمریکا ۵ میلیون کودک هیچگاه پا به مدرسه نمی گذارند. این کودکان و نوجوانان بردگان قرن بیستم اند که باید روزانه ۱۰ تا ۱۲ ساعت بطور غیر قانونی و با مزد ناچیز، برای سیر کردن شکم خود و خانواده شان به کار سیاه بپردازند.

تعداد کودکان و نوجوانان شاغل به اینگونه کارها در کشورهای امپریالیستی به قرار زیر است:

ایالات متحده آمریکا: یک میلیون، ایتالیا: ۵۰۰ هزار، آلمان: ۲۰۰ هزار، انگلستان: ۲۵۰ هزار.

این در حالی است که با هزینه یک تانک می توان ۱۰۰۰ مدرسه ساخت. به جای ساخت یک زیردریایی اتمی می توان امکانات آموزشی برای ۱۶ میلیون کودک فراهم کرد!



اخبار جوانان جهان

جوانان شیلی علیه رژیم فاشیستی پینوشه

نیروهای مسلح پلیس روز دوشنبه ۲۵ فوریه دریاپتخت شیلی علیه جوانان وارد عمل شدند. در این جریان حداقل ۵ جوان دستگیر شدند. این تظاهرات توسط جبهه میهنی مائوئیل رودریگز سازمان داده شده بود. اخیراً یکی از مخالفین رژیم فاشیستی، یکی از اعضای حزب سوسیالیست، توسط پلیس کشته شد. این جوان که ۲۱ سال داشت، سه روز پس از دستگیری به قتل رسید.

اعتصاب دانشجویان عرب در اسرائیل

پیش از ۲۰۰۰ دانشجوی عرب دانشگاههای تل آویو، حیفا و اورشلیم روز پنجشنبه ۱۴ مارس علیه موازین تشییقاتی مقامات دانشگاه اعتصاب کردند. اعتصاب به صورت تحریم کلاس های درس صورت گرفت. کمیته ملی دانشجویان عرب اعلام داشت که یکی از رهبران دانشجویان به علت فعالیت های سیاسی بازداشت شده و دانشجوی دیگر اخراج شده اند.

یک مقایسه بر معنا در مورد زندگی زحمتکشان

در جمهوری اسلامی ایران:

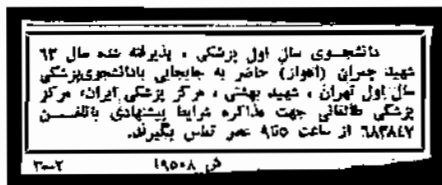
"سازمان محترم تامین اجتماعی وزارت محترم کار و امور اجتماعی، ما کارکنان قراردادی دفتر چاپ و توزیع کتابهای درسی آموزش و پرورش اخیراً بر اثر مراجعات مکرر ... موفق شدیم با پرداخت ۷٪ حق بیمه خود رأیبه اجتماعی نماییم. به همین منظور برابر مقررات قانون تامین اجتماعی که تاکنون مقرر بوده تا سه روز مرخصی استعلاجی از طرف وزارت خانه یا موسسه پرداخت می گردید ولی اخیراً مشاهده شد که مسئولین دفتر چاپ و توزیع اعلام داشته اند که این قبیل مرخصی ها (کمتر از سه روز و استعلاجی) از حقوق کسر و یا به حساب مرخصی سالیانه منظور می گردد."

در یک کشور سوسیالیستی:

اگر کارگر یا کارمندی هنگام استفاده از مرخصی سالیانه، در خانه خود یا در استراحت گاه بیمار شده، دکتر معالج به او مرخصی استعلاجی می دهد و این روزهای بیماری مجدداً بصورت مرخصی سالیانه در زمان مناسب به او بازگردانده می شود. بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!

دانشگاه یا بنگاه معاملات ملکی؟!؟

اخیراً در کنار آگهی های خرید و فروش خانه و سرقفلی مغازه، تعمیر یخچال و کولر و غیره، آگهی خرید و فروش "سرقفلی" محل تحصیل نیز در صفحات نیازمندی های روزنامه ما درج می شود. نمونه زیر در صفحه ۲ روزنامه کیهان ۸ اسفند ۶۳ چاپ شده است.



مقاله آگهی دهنده در مورد "شرایط پیشنهادی" توضیح بیشتری نداده است. اما شما فکر می کنید برای اینکه "عدالت اسلامی" مورد نظر هبران ج.ا. اجرا شود، کدامیک از دو دانشجویی که این "معامله علمی" را انجام می دهند باید به دیگری سرقفلی بپردازد؟!؟



بیش سوی دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

همه باهم برای صلح!

مطابق آخرین خبر کمیته تدارک دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان در مسکو، تا کنون در ۱۱۵ کشور کمیته‌های تدارک تشکیل شده است. یکی از شعارهای مشترک در فعالیت‌های تبلیغاتی و تجهیزگرانه این کمیته‌ها، خواست دفاع از صلح، تحکیم صلح و برقراری صلح استوار در سراسر پهنهٔ پنج قاره است. زمان برگزاری فستیوال مسکو نیز توجه بیش از پیش به امر دفاع از صلح را لازم می‌سازد. فستیوال مسکو در شرایطی تدارک می‌شود که امپریالیسم آمریکا در سده گسترش دامنهٔ مسابقهٔ تسلیحاتی به کهنکشانها است. در شرایطی که تشنج ناشی از سیاستهای جنگ طلبانهٔ امپریالیسم جهان را در وضعیت بغرنج و دشواری قرار داده است. در سیاست عمومی تشنج فزایی امپریالیسم، ایجاد و گسترش کانونهای تشنج نقش ویژه‌ای دارند.

در شرایطی به استقبال فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان می‌رویم که اوضاع در خاورمیانه بیش از پیش تیره شده است. کشتار نظامیان و غیرنظامیان در دو کشور ایران و عراق، گسترش دامنهٔ جنگ به خلیج فارس، کشتار مردم بیگناه لبنان به دست صهیونیستهای اسرائیلی، دامن زدن به جنگ اعلام نشده در افغانستان همه بغض‌های مختلف طرح عمومی امپریالیسم برای به آتش کشیدن این منطقه است. در آمریکای مرکزی نیز مدت‌هاست که جنگ اعلام شده علیه رژیم انقلابی نیکاراگوئه ادامه دارد. در قارهٔ آفریقا نیز اوضاع به همین قرار است.

واقعیات امروز نشان می‌دهد که مبارزات ضد امپریالیستی خلفا با دفاع از امر صلح کاملاً پیوند خورده است. جنگ‌های امروزی همه مولود نظام منحوس امپریالیسم اند. برای خشکاندن ریشهٔ جنگ باید امپریالیسم نابود شود تا دوستی تمامی جهان را فراگیرد. از اینرو است که در شعار اصلی فستیوال مسکو آمده است: "برای هبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی"

آخرین اخبار فستیوال

برنامه دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان که از ۲۷ ژوئیه تا ۲ اوت ۱۹۸۵ در مسکو برگزار می‌شود، در اجلاس کمیته تدارک بین‌المللی، که دوشنبه پایان یافت، مورد تأیید قرار گرفت. در این اجلاس نمایندگان سازمانهای جوانان و دانشجویان ۱۲۶ کشور شرکت کرده بودند.

دبیر هماهنگ کننده کمیته دائمی تدارک فستیوال اظهار داشت که مسائل در نظر گرفته شده در برنامه با توجه به شعار "برای همبستگی ضد امپریالیستی، صلح و دوستی" بوده و دربرگیرنده مهمترین مسائلی است که مورد توجه جوانان است.

برنامه سیاسی روزهای فستیوال در ۱۵ مرکز به نمایش گذارده می‌شود. این امر فضای کافی جهت تبادل نظر سازنده میان گروه‌های مختلف جوانان ایجاد می‌کند. این مراکز تحت عنوان صلح و خلع سلاح، همبستگی ضد امپریالیستی، مبارزه علیه فاشیسم، سال جهانی جوانان و غیره ایجاد خواهند شد. در فستیوال ۴۲ ملاقات بزرگ بین‌المللی پیش بینی شده است. به منظور تکمیل بازم بیشتر و اخذ پیشنهادات در مورد برنامه یک "بانک پیشنهادات" تأسیس شده. ۱۰ پیشنهاد نیز در طول اجلاس ارائه شد. این پیشنهادات، پس از بررسی در کمیسیون دائمی، در اجلاس بعدی کمیته به بحث گذارده خواهند شد. اجلاس مسکو علاوه سهمیه شرکت کنندگان را برای هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف و همچنین امر تأسیس یک صندوق بین‌المللی همبستگی را تصویب کرد.

گردهمایی جوانان آمریکای لاتین

گردهم آیی جوانان و دانشجویان کشورهای آمریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب در ۲۱ مارس در هاوانا برگزار شد. ۲۰ نماینده از کمیته‌های تدارک جهت فستیوال مسکو، علاوه نمایندگان فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، اتحادیه جهانی دانشجویان، اتحادیه دانشجویان آمریکای لاتین و فدراسیون جهانی دانشجویان مسیوی در این گردهم آیی شرکت کردند.

جوانان جامائیکا خود را برای فستیوال مسکو آماده می‌کنند

دبیرکل حزب کارگر جامائیکا در سینار سازمان جوانان کمونیست از مسو جوانان کشور دعوت کرد فعالانه خود را برای شرکت در دوازدهمین فستیوال جهانی مسکو آماده کنند. در جامائیکا کمیته تدارک ملی مرکب از ۱۵ سازمان جوانان تشکیل شده است.

جوانان جامائیکا، در کنار جوانان دیگر کشورهای دریای کارائیب، تلاشهای آمریکا را که قصد دارد با خرج میلیونها دلار یک کنفرانس بین‌المللی جوانان را بدون شرکت کشورهای سوسیالیستی در آوریل آینده در جامائیکا سرهمبندی کند،

محکوم کردند. این تلاشی است در جهت ایجاد تفرقه در جنبش جهانی جوانان و خرابکاری در فستیوال جهانی مکو. تلاش آمریکا جهت سوء استفاده از سازمان ملل به نفع کنفرانس تفرقه افکنانه خود با شکست روبرو شد. علاوه بر جامائیکا، ذریابادوس، سنت لوسیا، سنت ونسن، گیانا، گوادالوپ، مارتینیک و سوری نامه نیز کمیته های تدارک فستیوال مکو اعمال تفرقه افکنانه آمریکا را محکوم کردند.

جوانان کانالی در راه صلح

کمیته تدارک دوازدهمین فستیوال جهانی در مسکو در ایرلند تشکیل شد. برخی از سازمانهای شرکت کننده در این کمیته عبارتند از: فدراسیون ملی باشکامهای جوانان، جنبش صلح و جنبش جوانان مارکسیست لنینیستی کانالی. فعالیتهای تدارکاتی جنبش کانالی از جمله شامل افشای خطر جنگ برای جوانان و جلب آنان به مبارزه در راه صلح است. بدین منظور، جنبش کانالی همراه با جنبش صلح ارتباطات نزدیکی با سندیکالیست های جوان و بیکاران ایجاد کرده است. اکنون ۲۰ درصد جوانان زیر ۲۵ سال در ایرلند بیکارند. این سازمان که ۸۰ درصد اعضای آن را کارگران بین ۱۴ تا ۲۸ سال تشکیل می دهند، در سال ۱۹۷۰ از وحدت سازمان جوانان کمونیست ایرلند شمالی و جنبش جوانان کانالی بوجود آمد. این سازمان نام جنبش کانالی، مبارزه راه آزادی و رهبر مارکسیست قیام ۱۹۱۶ دوبلین را که پس از شکست قیام به دستور انگلیسی ها تیرباران شد، برگزیده است.

بقیه قیام تبریز ...

وقیام مردم تبریز را در خون خفه کردند. سخنان، اندیشه ها و کردار خیابانی، درست نقطه مقابل افکار و اعمال سیاه حاکمان مرتجع جمهوری اسلامی است. خیابانی که لباس روحانیت بر تن داشت، آزاد اندیش و وفادار به مردم بود. مرتجعین حاکم بر میهن ما، در همان لباس تاریک اندیش و خائن به منافع خلق اند. سخنان خیابانی درباره دموکراسی و حقوق مردم، درباره پلشویکها و انقلاب کبیراکتبر و ... سند رسوایی مرتجعینی است که با براه انداختن کارزار ضد کمونیستی و شوروی ستیزی، با خیانت به انقلاب و مردم و با کشتار انقلابیین نا بخردانه می کوشند خورشید را با گل بیوشانند و بر سر راه سیل خروشان مبارزه توده ها سدیی بنیان دروغ و فریب برپا کنند.

افسرده را انبساطی حاصل شد. مهر خاموشی از لب ها برداشته می شود.

قیام تبریز بعنل مختلف، از جمله در اثر اشتباهات و نارسایی های خود به پیروزی نینجامید. قیام سرکوب شد و خیابانی و همزمان او بخاک و خون غلطیدند.

خیابانی می گفت "ما می میریم بجهت اینکه دموکراسی ایران زنده شود... و قتیکه پغام خود و رفقای خود اعلام می کنیم که ما حاضر برای مردن در راه آزادی و استقلال هستیم هم معنای حاضر بودن، هم مردن و هم معنای آزادی و استقلال را خوب می دانیم".

دولت های خیانت پیشه آن زمان مانند حکام مرتجع کنونی مترسک کمونیسم را علم کردند، به خیابانی و یارانش اتهام تجزیه طلبی زدند.



پاسخ به خوانندگان

خوانندگان و دوستان عزیز!

ما در نخستین شماره دوره سوم آرمان نوشتیم:

"تردید نیست که مانند گذشته، آرمان نه تنها پرامکانات اندک و هیئت تحریریه محدود خود، بلکه بر همکاری همه جانبه فکری و قلمی و کمک های مادی جوانان دمکرات و مترقی و میهن دوست ایرانی... تکیه خواهد داشت."

برای ما باعث افتخار است که پس از انتشار ۲ شماره، نامه های بسیاری از جوانان و دانشجویان هموطن دریافت کرده ایم. به همراه این نامه ها، پیشنهادات و انتقادات سازنده، برای بهبود کیفیت آرمان ارائه شده است. نامه ها، مقالات و اخبار ارسالی شما به ما امکان خواهد داد که مطالب آرمان را هر چه بیشتر در جهت نیازهای شما جوانان و دانشجویان مبارز و جنبش انقلابی جوانان تنظیم کنیم.

با تشکر از همه شما عزیزان که برای ما نامه فرستاده اید، درخواست می کنیم که همکاری خود را با ما افزایش دهید. در همه زمینه های مربوط به زندگی و مبارزات جوانان و دانشجویان اخبار، مقالات و یا پرسش های خود را برای ما بفرستید. در نامه هایتان برای خود اسم مستعار تعیین کنید. ما در آرمان به اسامی مستعار خوانندگان پاسخ می دهیم.

هیئت تحریریه آرمان

دوست گرامی ش. - زا

مقاله شما با عنوان "توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل" بدست ما رسید. از اخبار و مطالب تکاوند هنده ای که از جنایات رهبران رژیم "ولایت فقیه" علیه زنان و دختران مبارز میهنان در آن بود، استفاده خواهیم کرد.

دوست عزیز پزشک درد آشنا!

مطلب ارسالی با عنوان "نامه ای به یک هموطن" را دریافت کردیم. اخبار و فاکت های مندرج در آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

دوست گرامی د. - جوان!

مقاله "جنبش انقلابی جوانان و جوانان انقلابی" در همین شماره مورد استفاده قرار گرفته است.

دوست عزیز س. - آرش!

از مقاله "نظم نردن اقتصادی" در شماره های آینده استفاده خواهیم کرد.

دوست گرامی ف. - پیوندا

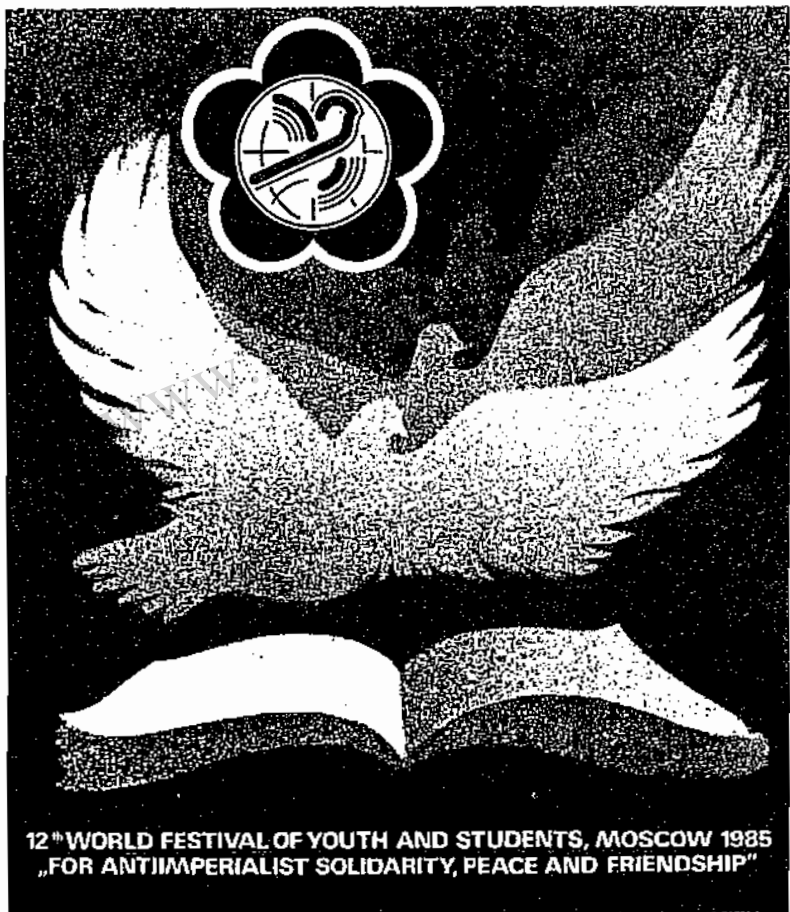
مقاله ارسالی با عنوان "جنبش دانشجویی اوج می گیرد" را دریافت کردیم. از مطالب آن در مقالات دانشجویی استفاده خواهیم کرد.

دوست عزیز م!

متأسفانه ترجمه مطلبی که در مورد "سوتلانا" زن فضاورد شوروی برایمان فرستاده بودید دیربست ما رسید و نتوانستیم از آن به مناسبت ۸ مارس استفاده کنیم. باز هم برای ما مطلب بفرستید.

پیش بسوی
دوازدهمین فستیوال جهانی جوانان و دانشجویان

مسکو ۱۹۸۵



12 "WORLD FESTIVAL OF YOUTH AND STUDENTS, MOSCOW 1985
„FOR ANTIIMPERIALIST SOLIDARITY, PEACE AND FRIENDSHIP“